

راه توده

شبه‌مجله‌ای در خرداد ماه ۱۳۶۲

شماره ۱۴ - ۱۳۸۴
سال دوم، شماره ۹۱
بهار ۴۰ : ۱۳۸۴

”منطق کوبنده“ جمهوری اسلامی: شکنجه، ارباب، اخافه...

دیوانه سرانه چهاران عقب افتاده آن دوران، ظلمانی است؛ ژاندارک، جیوردانو برونو (فیلسوف ایتالیایی)، میکائیل سروتوس (پزشک کاشف جریان خون) - وائینی (فیزیکی‌دان) - تا کلیاکوزی (جراح پلاستیک) - کالیله‌نو، کالیله‌ئی و... حتی مردم عادی به اتهام بی‌خدایی و باور به اعتقاداتی خلاف پینش رسمی و به نام مذهب و خدای، در آتش زنده زنده سوختند، زیر شکنجه‌ها جان دادند و یا به نفی عقاید و اعتقادات خود واداشته شدند.

بقیه در صفحه ۶

از آن هنگام که آزادی فرد و آزادی خلق‌ها، محتوای نبردهای عظیم دوران‌های تاریخ را می‌سازد، هم‌زاد آن زور و ارباب و شکنجه نیز به عنوان ”وسیله“ چنانچه ناپذیر حفظ منافع ستم‌پیشگان و صاحبان قدرت پا به عرصه وجود می‌گذارد. تاریخ، شرمسار و مشحون از نمونه‌هایی است که قلدران زوال یابنده برای حقانیت بخشیدن به مطلق قدرت خود، با اعمال زور و شکنجه و اخافه، نیروهای بالنده را - هرچند گذرا - از میدان به در کردند و به مرگ فیزیکی و شخصیتی محکوم ساختند.

سراسر قرون وسطی از سیاهی رفتار هولناک و

”آن‌گاه که کرسی‌های وحشی با کله غزالان می‌جنگند“

کارگران، اتحادیه‌های کارگری و سازمانهای مترقی در مراسم اول ماه مه، پیوند خود را با حزب توده ایران تجدید می‌کنند

پیش از آن، در مراسم راه پیمایی عید پاک که به سنتی پیکار جویانه علیه سیاست‌های ضد بشری آمریکا و استقرار موثک‌های میان‌برد آمریکایی در آلمان فدرال بدل شده است، همه نیروهای صلح‌دوست و مترقی این کشور، شکنجه و کشتار دگر اندیشان و اعضای حزب توده ایران را محکوم کردند و این حکم را در کنار سایر خواست‌های خود در قطعنامه‌ای که در پایان راه پیمایی خوانده شد گنجانند.

بقیه در صفحه ۲

روز اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران در بیشتر شهرهای اروپایی به زور تجلیل و پشتیبانی فرورآفرین از حزب طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران بدل شد. در این روز که راه پیمایی پرشکوه کارگران، اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های مترقی، به جشن کارگران جلوه‌ای رزم جویانه بخشید، یکبار دیگر پیوند و همبستگی کارگران و سازمان‌های صنفی - سیاسی آنان با حزب توده ایران مورد تأکید و تأیید همه سویه قرار گرفت.

ارتجاع در تدارک تقلبات گسترده‌تر در انتخابات است

در انتخابات دودوم مجلس شورا، از جمله به هادت بسیاری از برگزار کنندگان، نامزدهای انتخاباتی و نمایندگان مجلس، بازار تقلب و سوءاستفاده از امکانات دولتی به شکل و سابقه‌ای گرم بود. پیش‌بینی این نکته دشوار بود که انتخاباتی که در شرایط خفقان و ترور ناکم بر کشور، تشدید مستگیری‌های ارتجاعي در تلبه عرصه‌های سیاست داخلی و خارجی و محروم شدن نمایندگان واقعی زحمتکشان، نه تنها از حق انتخاب شدن، بلکه از حق زندگی نیز سورت می‌گیرد، نمی‌تواند از اعمال نفوذ سازمان افته ارتجاع حاکم رنگ نگیرد. موارد متعددی که تا کنون افشاء شده است از اقتضاحات کبری پرده برمی‌دارد، سران جمهوری اسلامی لاش دارند این اقتضاحات را امری طبیعی جلوه دهند. رییس مجلس می‌گوید:

”یک انتخاباتی با این وسعت و بدون تجربه گذشته، بدون تخلف نمی‌شود و موارد فراوانی سکن است وجود پیدا کند یا داشته باشد“ (کیهان ۱ اردیبهشت ۶۲).

اما دامنه گسترده رسوایی‌ها، حاکی از گسترش فساد در هیأت حاکمه‌ای است که با رو برتافتن از آرمان‌های خلق، به جولانگاه پاسداران زمین‌داری و سرمایه‌داری بزرگ تبدیل شده است.

همه شواهد نشان می‌دهد عاملین اصلی این تقلبات، صاحبان زر و زور و نهاد اصلی برگزارکننده انتخابات، یعنی وزارت کشور است که از دیرباز در اختیار حزب جمهوری اسلامی قرار داشته است. در واقع ائتلاف حجتیه گریبان حوزه بقیه در صفحه ۶

نظر انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری تهران و توابع در باره پیش نویس جدید قانون کار

در صفحه ۷

اتحاد شوروی و چند کشور سوسیالیستی در بازیهای المپیک لوس آنجلس شرکت نخواهند کرد

در صفحه ۱۲

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

کارگران، اتحادیه‌های کارگری و سازمانهای مترقی در مراسم اول ماه مه، پیوند خود را با حزب توده ایران تجدید می‌کنند

بقیه از صفحه ۱

اتریش

در مراسم راه پیمایی با شکوهی که به مناسبت بزرگداشت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز همبستگی بین‌المللی کارگران جهان در وین برپا شد، هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در اتریش نیز شرکت کردند. آنان با پوشاندن چهره و بدن خود با ماسک‌ها و پلاکارت‌های اعتراضی، به افشای

کرده‌ند. گزارش و عکس‌های مربوط به این راه پیمایی نیز در روزنامه‌های شهر به چاپ رسیده است.

آلمان فدرال

طی مراسمی که به همین مناسبت از طرف سندیکای کارگران آلمان در شهر گوتینگن برگزار شد، مسئول سندیکا ضمن سخنانی، پیگرد و شکنجه نیروهای انقلابی و



سندیکالیست را در سراسر جهان، محکوم کرد. وی با اشاره به تضییقاتی که در ایران علیه این نیروها اعمال می‌شود، خواهان قطع شکنجه و آزار آنان شد. وی هم‌چنین گسیل هیأتی به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک و پایان دادن به جنگ ایران و عراق را خواستار شد.

● در جریان راه پیمایی عید پاک امسال که همانند سال‌های قبل به منظور اعتراض به استقرار موشک‌های میان‌برد آمریکا در آلمان فدرال و اعتراض به سیاست جنگ‌افروزان امپریالیسم انجام گرفت، قطعنامه‌ای از سوی شرکت کنندگان در مراسم خوانده شد که

جنايات رژیم جمهوری اسلامی علیه نیروهای مترقی میهن ما و به ویژه شکنجه و کشتار توده‌ای‌ها پرداختند. شعارهای آنان مبنی بر قطع تضییقات در قبال آزادی‌خواهان ایران، آزادی آنان و قطع جنگ ایران و عراق، توجه مردم شهر را به خود جلب کرد. مردم صادی هم‌راه با راه‌پیمایان که نمایندگان نیروهای مترقی خارجی و اتریشی بودند، ضمن استقبال از نمایش اعتراضی هواداران حزب و سازمان به طرف گوناگون، همبستگی خود را با زندانیان سیاسی ایران ابراز داشتند و سیاست ترور و اختناق حکومت جمهوری اسلامی را محکوم

در آن هم‌چنین شکنجه و کشتار دگراندیشان در ایران و سیاست جنگ طلبانه حکومت ایران محکوم گردیده است.

● ۲۷ تن از اعضاء و کارکنان سندیکای سراسری آلمان، شعبه اسن، ضمن امضای اعتراض‌نامه‌ای، قطع فوری تضییقات علیه نیروهای مترقی و سندیکالیست‌های ایران و آزادی کلیه زندانیان سیاسی و بررسی وضع آنان، توسط هیأتی از پزشکان و حقوق‌دانان بین‌المللی را خواستار شدند. در میان این عده، اسامی اتحادیه‌های سندیکایی مختلف صنایع و مسئول برنامه‌ریزی سندیکای سراسری آلمان به چشم می‌خورد.

● "اتحادیه ضدفاشیست‌ها و کسانیکه تحت پیگرد نازی‌ها قرار داشتند" در مونشن‌گلادباخ و دویتومند، طی ارسال نامه‌ای به سفارت جمهوری اسلامی و انتشار بیانییه مطبوعاتی اعمال بربرمنشانه رژیم حاکم بر ایران را علیه میهن‌دوستان به شدت محکوم کرده و تأکید نمودند افکار مترقی آلمان فدرال، نگران سرنوشت زندانیانی است که صرفاً به خاطر دفاع از منافع زحمتکشان ایران، در چنگال دژخیمان رژیم گرفتارند.

● هشتمین کنگره فدراسیون اتحادیه‌های کارگری ترکیه در آلمان فدرال، در روزهای هفتم و هشتم آوریل (۱۸ و ۱۹ فروردین) در شهر اسن برگزار شد. در میان پیام‌های همبستگی سازمان‌ها و اتحادیه‌های کارگری کشورهای مختلف، پیام حزب توده ایران با استقبال با شکوهی روبرو شد و طی قرائت پیام، حاضرین به پا خاستند و شعار "پایدار باد همبستگی بین‌المللی"، در سالن طنین افکند.

کنگره به اتفاق آراء، قطعنامه پیشنهادی برگزارکنندگان کنگره را در مورد اوضاع ایران به تصویب رساند. در این قطعنامه، اعمال بربرمنشانه رژیم جمهوری اسلامی در مورد اعضای حزب توده ایران و سایر نیروهای مترقی میهن ما به شدت محکوم شد. در این قطعنامه، هم‌چنین پایان دادن به محاکمات ناپیسی و کشتار میهن‌دوستان، آزادی بلادرنگ کلیه زندانیان سیاسی و بررسی وضع آنان به وسیله یک کمیسیون تحقیقاتی بین‌المللی خواسته شده است.

● گروه روزنامه‌نگاران حزب سوسیال دموکرات آلمان فدرال، در دورتموند، ضمن ارسال نامه‌ای به سفارت جمهوری اسلامی ایران در بن، نگرانی جدی خود را نسبت به اعمال تضییقات علیه مخالفین سیاسی رژیم و به ویژه موج جدید اعدام‌ها، ابراز داشتند. روزنامه‌نگاران دورتموند خواسته‌اند که حکومت ایران هرچه زودتر به این اعمال پایان دهد.

● شعبه حزب کمونیست آلمان در اسن، با ارسال اعتراض‌نامه‌ای به سفارت جمهوری اسلامی ایران در بن، پایان دادن به شکنجه و سرکوب اعضای حزب توده ایران و سایر دگراندیشان و آزادی آنان را خواستار شد.

● انجمن دانشجویان دانشگاه اسن و هیأت ریسه اتحادیه سوسیالیست‌های مدارس عالی بن، ضمن محکوم کردن جو فشار و اختناق و شکنجه و کشتار اعضای حزب توده ایران و سایر انقلابیون، پایان دادن به این اعمال را خواستار شدند.

بقیه در صفحه ۳

**با گسترش موج همبستگی بین‌المللی جان زندانیان
سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم**



Dokumentation und Information

Herausgegeben vom Sekretariat der Internationalen Demokratischen Frauenföderation DDR - 1080 Berlin, Unter den Linden 13

”فدراسیون بین المللی زنان“ برخواستن پایان دادن به جنگ ایران و عراق تأکید می ورزد

فراخواند تا از طریق مسالمت آمیز به حل و فصل اختلافات بپردازند و این جنگ خانمان سوز را که برای دو کشور مرگ و ویرانی به بار می آورد، خاتمه بخشند.

دبیرخانه هم چنین از سازمان های عضو و کلیه نیروهای صلح دوست در سراسر گیتی خواست، با به کار بردن همه نیرو و امکانات خود از ادامه جنگ جلوگیری کنند و بخواهند که نیروهای واکنش سریع و ناوگان آمریکا که نه تنها صلح را در خلیج فارس و خاور نزدیک، بلکه در سراسر جهان به مخاطره افکنده اند، هرچه زودتر منطقه را ترک کنند.

دبیرخانه ”فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان“ باردیگر طی انتشار سندی در ماه مارس (فروردین ماه) ، نگرانی خود را از گسترش جنگ میان ایران و عراق ابراز داشت. فدراسیون متذکر شد این جنگ به ضرر خلق های دو کشور و صرفاً در خدمت منافع سلطه جویانه امپریالیسم آمریکا، جهت تشدید حضور نیروهای این کشور و توسعه مانورهای نظامی در منطقه خلیج فارس است.

دبیرخانه فدراسیون به نام میلیون ها زن در سراسر جهان، دولت های ایران و عراق را

کارگران، اتحادیه های کارگری...

از صفحه ۲

تأثر اعضای اتحادیه بشر دوستان این شهر در باره سرنوشت اعضای حزب توده ایران و اعمال وحشیانه دژخیمان حکومتی در مورد زندانیان و اعدام آنان است. اعضای اتحادیه همچنین، جنگ میان ایران و عراق را به ضرر خلق های دو کشور ارزیابی کرده و آن را در خدمت منافع تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و بهانه ای برای حضور نظامی آن در منطقه خلیج فارس، جهت سرکوب هرگونه ندای

اعتراضات احزاب، سازمان ها، عیث ها و اتحادیه های مترقی در نان فدرال، نسبت به شکنجه و تار میهن دوستان و از جمله زندانیان توده ای و سرکوب آزادی ایران، همچنان ادامه دارد. امی برخی از آن ها به قرار زیر

ت: گروه جوانان کارگر
سیالیست آلمان • انجمن زنان
کیه و سازمان جوانان ترکیه در
زن کپرشن • مسلولان حزب



آزادی خواهی خلق های منطقه دانسته است و خواست های زیر را مطرح کرده اند:
- پایان دادن به پیکره، شکنجه و کشتار در ایران،
- فراهم آوردن امکانات لازم جهت بررسی وضع زندان های ایران و شرایط زندانیان، از طرف هیأت های بین المللی پزشکان و حقوق دانان،
- آزادی دمکرات ها، سندیکالیست و کمونیست ها از بند،
- خاتمه جنگ میان ایران و عراق و آغاز مذاکرات صلح میان دو کشور.

بوما در هاکن • دبیرخانه سبوما و شای حزب سوسیال دمکرات و ندیکای علم و تعلیم و تربیت موندشن گلاباخ.

بن غربی

اتحادیه جوانان سوسیالیست - رل لیپکنشت، در تاریخ دوم ریل (۱۳ فروردین)، تلگرامی طاب به مقامات مسئول جمهوری لایم، تحویل سرکنسولگری ایران برلن غربی داد. متن تلگرام که با عنوان "به سال ترور در ایران خاتمه دهید!" باز می شود، حاکی از نگرانی و

شرکت کنندگان در تظاهرات صلح هندوستان خواستار پایان جنگ ایران و عراق شدند

سیزدهم آوریل (۲۴ فروردین) در اغلب شهرها و ایالات هندوستان تظاهرات صلح برپا شد. تظاهراتی نیز در ایالت کجرات، با شرکت نیروهای مترقی هندی و خارجی از جمله هواداران سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) انجام گرفت. تظاهرکنندگان ضمن دادن شعارهایی، مبنی بر محکومیت سیاست جنگ طلبانه دولت آمریکا و توطئه ها و تحریکات آن در مناطق مختلف جهان، از جمله در اقیانوس هند و منطقه خلیج فارس، خواهان پایان دادن به جنگ ایران و عراق شدند. در میتینگ پایانی تظاهرات نیز سخنرانان ضمن ارزیابی این

جنگ به عنوان جنگ ساخته و پرداخته امپریالیسم که به ضرر منطقه است، قطع جنگ را خواستار شدند. در تظاهرات صلح ایالت همیچال پرادش نیز، ضمن طرح شعارهای کلی مخالفت با سیاست گسترش تسلیحاتی آمریکا و شعار مبارزه علیه بروز جنگ هسته ای، خطراتی که ادامه جنگ ایران و عراق منطقه و صلح جهانی را تهدید می کند، برشمرده شد و بدین مناسبت تظاهرکنندگان پایان جنگ را خواستار شدند. از جمله شخصیت هایی که در این مورد سخن گفتند - دبیر ایالتی حزب کمونیست هند بود.

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

"آن گاه که کرس های وحشی با گله غزالان می جنگند"

● با چپچه پاییز (نثر شاعرانه در چهارده بند)

● اثر: احسان طبری ● پاییز ۱۳۶۱

ولی من باز می گردم با پادشاهان تکرک و ستارگان بانگ زن
باز می گردم با عصاره فرازگیر سنبله ها.

برای لشتن آتش پوست شما زنده ها.

و تافته نرمینه روحم در میان دندان های شماست.

باز می گردم تا در همه ریشه ها، هم آهنکی گرم آسمان ها را بنوازم:

در روزی معصوم، در روزی خردمند.

مجموعه ای کوچک در حجم و عظیم
در ژرفا، با عنوانی رازناک و
سرشار از عشق به تبار انسانی، باغی
از لحظه های پویایی را در چشم انداز
آدمی می گستراند.

رفیق احسان طبری با فروتنی
این اثر را "نثر شاعرانه"
می خواند و به همین دلیل آن را
برخلاف مجموعه نخستش (از میان
ریگها و الماسها) در قالب نثر
می نگارد. این دو زمین دقتی است
که از سراینده در این شکل ویژه که
خود آن ها را "ترانه خوابگون"
می نامد، به چاپ رسیده است.
ترانه خوابگون به روایت
سراینده: "تقطیر فلسفی - شاعرانه
اندیشه های مشخصی است که با
منطق مه آلود و شناور رویاها بیان
می شود. کسی که نخواهد مضمون آن
را دریابد، می تواند به هم نوایی
واژه ها و شکفتی پندارها بسنده
کند. کسی که بخواهد آن را بفهمد،
باید از نیروی تخیل خود مدد گیرد و
حجاب حریر را ببرد و ماورای
واژه ها کام گذارد. این کششی است
به سوی شعر ناب، هنگامی که
پنداری وارسته از بند، به جوهر
اصلی شعر بدل می شود."

رفیق طبری، همان گونه که در
عرصه های گوناگون، به ویژه در
زمینه پژوهش، بدعت ها و
نوآوری های ارزنده ای به کنجینه
فرهنگ و ادب پارسی و جهان عرضه
داشته است، در این میدان نیز
پلکانی بلورین برای "عروج
قریحه های راستین" هموار ساخته
است.

کتاب آمیزه ای از دانش و شعر را
در ملتقای زندگی گره می زند و
در انسان متبلور می سازد. در این
گرهگاه هستی، آنگاه که "مزاران
پرنده رنگین، در چنبر بیشه های
عواطفش می پرند" و او را "به سوی

بیشه عاطفه را به سلاح پر مجهز
می کند، ولی هنوز پرواز گستاخ،
اوجگاه مناسب "برای شناور
کهکشان" را نیافته است که کند
دانش و تعهد نسبت به انسان هایی
که عاشقانه دوستان دارند، آهنگ
بازگشت به سوی "ماجرای زمینی
شعر و دیوار شیاه بغض و تعصب" را
می گستراند، زیرا او "با دلی چون
اسفنج ارغوانی، گوش به زنگ همه
آهنگها دارد". تعهد و حس
مسئولیت نسبت به انسان هایی

سپیدی آینه های ستارگان"
فرامی خوانند، او برگ های زرین

ما کجائیم در این
دیر تحیر، تو کجا؟
احسان طبری

با مدعی
مگوئید...

مدعی را در غربت ما راه نیست:

معیارها دیگر است

بغرنجی ما در سادگی است

خودبودگی ما در بیخودی.

خویش را تنها تنی شمردیم از تن ها

و بگفته «بوسعید»:

«سراسر خانقاه، خدمت است خدمت»

و همچون آسیای گردنده

درشت ستانندیم و نرم واپس دادیم.

از دیلن چهره خود

در آئینه های دق بهراس آلمد

بگذار تا بازتاب خود را راستین بیندارند

ولی نه برمن، که برخویش می خندند.

خردم خرد مایه است و دیده ام کم بین.

و بهترین ستایشی که سزای زمره ماست

جستن راستی است و داد.

با رنج زیستیم و پارسایی

تا نام انسانی را نیالائیم

و پروا نیست که شبزدگان غافلند.

و پروا نیست که شبزدگان غافلند.

خرداد ۱۳۶۰

(این شعر پس از پخش بحث آزاد تلویزیونی "سروده شده")

که رنج، کارمایه هستی شان است،
او را از سیر و سلوک تا "بلندای
رویای جاودانگی" باز می دارد و به
خاک، به "شگون زمین" فرا
می خواند، چرا که "کرس های
وحشی با گله غزالان می جنگند" و
او فرزند "الله سلوت و نیرو"
باید "روان تیب آلودش را در کرنای
انهدام جان های کهنه و چرکین
بدمد".

● ● ●

آنجا که ملاحظات سیاسی یا
اجتماعی مانع از نگارش برخی
اندیشه هاست، هنر، هنرمندانه این
پرده را می برد و با زبان تصویری
خود واقعیت را برهنه می سازد.
صداقت و صمیمیت در ذات هر هنر
راستین نهفته است. همان گونه که
حافظ - شاعر همه دوران ها - با
"رندی عارفانه"، ریا و دغلکاری
زاهدان و شیوخ متشرع را آفتابی
می کند (صوفی نهاد دام و سرحقه،
باز کرد / بنیاد مکر با فلک حقه باز
کرد)، طبری نیز با "رندی
عالمانه" بر "اسطوره های دغل" که
حامیانش با سوارکاری شیدانه
برگرده باور توده ها، رشد فرهنگ و
دانش بشری را برای دوام بیشتر
خویش به تعویق می اندازند،
خشکنازه می تازد و با نمایش فضای
صلب و سنگین و تلخی که در آن
می زید، در آرزوی آرامشی است که
"دیو بیچگان" از او رو بوده اند:

"با گام های مفشوش از ژرفای
سایه خود، دشنام گویان به
اسطوره های دغل، با ماده لزوج و
خشم آلود اندیشه، در آرزوی
نوشیدن سکوت، در زیر آسمان صلب
هستی، از حفره خود برون
می خزم... روان شیدایم چو یوی
نوایی است زرین، با آزه های سویم.
از زایش دیو بیچگان، در این مه های
فروردین، بر جدول زمین،
برآشفته ام" (صفحات ۸ و ۹).

اما "برون خزی" او، خزیدنی از سر
دلتنگی و گریز روشن فکرا نه نیست.
خیزشی است به سوی یاران، برای
مبارزه ای دشوار و عصب سوز، بر
"جاده بزرگ سرنوشت":

"به سوی یاران می روم، یارانی با
سینه های یاقوت و سرشک های
الماس، سراپا گوهر بیز، راهزنانی
بقیه در صفحه ۵

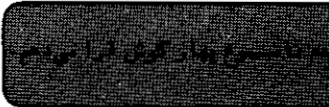
"آن گاه که کرس های وحشی با کله غزالان می جنگند"

بقیه از صفحه ۲

واژه واژه و سطر سطر این دفتر از ذهن تازیغ و طبیعت می گذرد و با بهره گیری از ابزار اشکال متنوع شعور اجتماعی - به ویژه هنر و فلسفه - آن را در بارگاه زیبایی انسان به شکوفه می نشاند. آینده ای از شعر ناب، زیست نامه بشری و درس نامه جان های وارسته و بالنده است که هر چند به ظاهر در ۲۴ بند ناهمگون و مجزا سروده شده است، ولی پیوندی درونی و روندی پویا سراسر مجموعه را به نگیینی الماس کون بدل می سازد، در کم ترین زوایای تودرتوی شگرف زیست نامه بشریت، خود را در معرض وحشتناک ترین عذاب ها قرار می دهد، با بردگان رنج می کشد، هم دوش تهی دستان می ستیزد، با آزاد خردان به داز آرنخته می شود، و حسرت ها و ماتم ها، یاس ها و امیدها، شکست ها و پیروزی های بشری را می پیوند و در مرحله انسان امروز و جامعه انقلابی ایران زیستی جاودانه دارد. او در تاریخ و تاریخ در او می زید:

"ما ذرات نوریم، دانه های زرین در این کاف بیهوده ایم. ما سنکلاخ ستارگان را در می نوردیم. ما دارنده عنوانی شگرفیم: انسان! نه مار، نه مور، نه پدیده، نه غوک، نه هزارپا، نه خرزهره: انسان! با همه طنین بلورینش" (ص. ۳۲).

"با پیچیده پاییز" نغمه ساز هستی انسان است. طبری این پیچیده را در پاییز انقلاب شکوهمند ما، در آغاز سرمای سخت می آغازد، ولی در تمام رگه های آن، طنین زنده فریاد بهاری اش، جان را به شکوفه می نشاند، خود او در بند آخر این



دفتر، ابرهای رنگین را پس می زند و روشنی را در این میدان چنین غریال می کند:

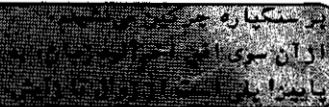
"در پیچیده پاییز، فریاد بهاری ام را شنیدی؟ من چون گل بیخ، نگین کهربایی خود را در سرما می کشایم" (ص. ۳۳).

آری... در این برگ ریزان بی آفتاب، این "پیچیده" است که فریاد می شود، باشد تا بارد دیگر، برآیند نیروی نهفته اش بیداری فریاد را در گل خند بهار آواز کند.

مکان، اکنون با گذشته زمین با آسمان، سایه با تصویر، این سو با فراسو" را برپهنه تابناک بیداری می کشاید و از "کاغ های فیروزه و بازارهای دارچین و ناوهای دریازنان و قطارهای بردگان و شبکه آبنوس خرم" به سوی "آیین های سپنجی نسبت" ره می کشاید تا با "زنگیان رنج کش، از توری جاذبه بگذرد و به لامکان صعود کند"، و در "روز خردمند"، در سایه درخت شهر آرزو، چایی که دل ها برقگیر دلهاست، به دور از رنج پیشینیان، دمی با کبوتر قاصد شعر" بیاساید، و در این گذار تلخ و تنگ، "گاه درویشی، گاه شهسواری زیناوند، گاه گلخن بانی پر خاکستر، گاه عارفی بردار و گاه رهروی گمراه" راه پیمایی می کند.

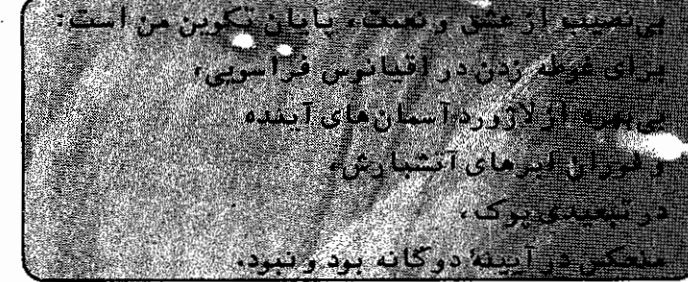
به راستی این "غریبه ژولیده" کیست که می خواهد "در سرشت خود، چون درختی تناور" ببالد و "بر بالاترین شاخه اش، زیباترین پرند نغمه سردهد"؟ او کیست که این چنین گستاخ و فراخ، سودای فروبلعیدن خورشیدها و پراکندن پویایی زیستن در فضا های مرده را در سردارد؟

او انسانی است خاکی که از "رگب" مرکبش آتش" می گذرد، "شورنده ای سراپا رستخیز" که برای واژگونی همه ابعاد خواری ها و آشتن افیون ها تنوره می کشد تا "همه خوارشدگان بالا بیافرازند" و "ریاضیات خرد و



شاقول تجربه، جانشین عزایم خوانی عتیق" شود. اما او "رسول نابودی" نیست، زیرا در وجودش "ستاره های عشق و دل بستگی، گوهر سازندگی و همبستگی است". او ویرانگر ویرانی هاست تا زمین با آسمان در خنده ای بیامیزد و "کودکان در پندشه زارها" شادمانه بدوند. او انسان نوین دوران سازی است که عصاره همه رنج ها، آرزوها و دانش های بشری است. او آفتابی است که در کمرکش دوران، لغتی پا به پا می کند.

آغاز هستی چیز دیگری است و تکوین را هرگز پایانی نیست، و او به این ترتیب، آغاز زندگی نوین اندیشه های انسانی و بالنده خود را پایانی برای تکوین پسین آن می داند. همان گونه که مانی - در آستانه مرگ - به شاپور گفت: "در ویرانی سرای وجود من، آبادانی



جهانی است". و به همین علت است که او از بازگشت بارور خویش سخن می گوید: "ولی من بازمی گردم با پادشاهان تکرک و ستارگان بانگ زن، بازمی گردم با عصاره فرازگیر سنبله ها، برای لشتن آتش پوست شما زنده ها، و تافته نرمینه روح در میان دندان های شماست: بازمی گردم تا در همه ریشه ها هم آهنکی گرم آسمان ها را بنوازم: در روزی معصوم در روزی خردمند" (ص. ۱۰۰).

او "شکوفه امید و آرزو" ست، بزرگی و خدایی انسان را تنها نه بر زمین که بر زمان و جهان، اندیشه ای یقین می داند، چرا که او عاشق انسان و عالم به توان راستین اوست، به هنگامی که "جبه های چرکین" برکنده شوند تا "مرمر انسانی" نمودار گردد، و در چنین هنگامه ای است که "پنجه پر پروین" می پیچد و "در آماس فروزان خورشیدها رستاخیز می کند".

در لحظه های ناب فرازش و یالش این دفتر، پیوند انسان و تاریخ تا مرز یگانگی گره می خورد، سیر و کشت او در تاریخ، تنها کنجکاوای پسر زانه پر گذری معطر نیست، عبور دشوار و فراز مند فرزانه ای است که "با مشت درشت انسانی، برای کارهای بزرگ" به این سرا آمده است و "گلاویز زمان با

جوانمرد بر این جاده بزرگ سرنوشت نام، آنگاه که کرس های وحشی با کله غزالان می جنگند" (صفحات ۹۸ و ۹۹).

رفیق احسان طبری در این دفتر، نه تنها آن روی چهره افسانه ها و اسطوره های دغل و "دیوچکان" بر زمین از عشق و نعمت، پایان تکوین من است: برای غوطه زدن در اقیانوس فراسویی، زلازورد آسمان های آینده و فوران آتش بارش، در تبعیدی پوک، منعکس در آیینه دوگانه بود و توشه من نبرد، در گلزارهای رامش خود بر پای تو و نیاکان تو آسان نبود، پیری است می گفتم. دیری است می دانستم" (صفحات ۱۰۰ و ۱۰۱).

نویسن را با جادوی کلام به تصویر می کشد، بلکه گویی سرنوشت خویش که سرنوشت جان های شکوهمند در یار "جرم های تیرگی" و در "تبعیدی پوک" است، با خردی و رای تصور، پیش گویی می کند. هر چند، بیشتر نیز - در نوشته های دیگر - آنگاه که دیالکتیک تاریخ و انسان انقلابی را ترسیم می کند، این واقعیت دردناک را با بیانی حماسی بازگویی کند: "تاریخ، سربازان واقعی خود را از میان بهترین ها برمیگزیند، و سپس آن بهترین ها را نامزد وحشتناک ترین شکنجه ها و رنج ها می سازد، چنین است تجلی محبت تاریخ!".

در این دفتر نیز، ژرفای سرنوشت خویش را با کلنگ شعر می پیوند: "بی نصیب از عشق و نعمت، پایان تکوین من است، برای غوطه زدن در اقیانوس فراسویی، بی بهره زلازورد آسمان های آینده و فوران برهای آتش بارش، در تبعیدی پوک، منعکس در آیینه دوگانه بود و توشه من نبرد، در گلزارهای رامش خود بر پای تو و نیاکان تو آسان نبود، پیری است می گفتم. دیری است می دانستم" (صفحات ۱۰۰ و ۱۰۱).

اما "پایان تکوین" او به مفهوم ابودی نیست، در اینجا ذهن ویا، واژه "تکوین" را با پیشی یالکتیکی در قلب واژه "پایان" نجانده است، زیرا پایان هر چیزی،

"منطق کوبنده" ج.ا.شکنجه، ارباب، اخافه...

بقیه از صفحه ۱

یک استدلال ختم می‌شد. "نظریه پردازان" سپاه دل لزوم استفاده از شکنجه در قرون وسطی می‌گفتند: "خداوند، با این وسایل اراده فرموده است که حقیقت را، اگر نه در مرحله اول، در هر صورت در مرحله آخر، آشکار سازد" این "منطقی" است که اکنون نیز حاکمان قرون وسطایی جمهوری اسلامی از آن تبعیت می‌کنند و برای پاک کردن "کثافات روحی" قربانیان خود، حکم "تعزیر" و "تقتیل" را درباره آنان به اجرا در می‌آورند.

در واقع آنچه که "گالیله" را واداشت بگوید: "من گالیله‌ام و گالیله‌یی، پسر مرحوم وینچنزو گالیله‌ئی فلورانس، هفتاد ساله که شخصاً در دادگاه حاضر شده‌ام و در برابر شما والترین و مقدس‌ترین کاردینال‌های خداوندگار و ایمان‌کاوان مذهب جهانی مسیح، در برابر هرزه‌درایی کفرآمیز، به زانو در می‌آیم."

به واسطه همین "منطق کوبنده" و مجاب کننده بود که گرچه زبان "گالیله" را به حرکت واداشت تا به ضد خود و باورهایش سخن گوید، ولی ذره‌ای واقعیت را جا به جا نکرد: "با همه اینها، (زمین) حرکت می‌کند"

"منطق کوبنده‌ای" که حاکمان اسلامی جمهوری اسلامی از آن به نحوی "خدا پسندانه" سود می‌جویند، علاوه بر تکیه بر این سنت‌ها و البته با در نظر گرفتن ویژگی‌های ستم‌شاهی شرقی و شیوه‌هایی که "والیان حرس" و "عوانان" و فراشان و میرغضبان شاهی به کار می‌بردند و اسپر دست بسته تیره روز را به مجازات‌های شاق محکوم می‌کردند (سوزاندن، شلاق زدن، اجبار به حضور در مراسم اعدام زندانیان، مثله کردن، پوست کندن و...) بر آخرین روش‌های اعمال شکنجه‌های جسمی و روحی آزموده شده از جانب "واحدهای تحقیقاتی" سازمان جاسوسی سیا نیز، استوار است:

چندی پیش برنامه اتلویزیون آلمان غربی، با چند تن از قربانیان این "تحقیقات" که با وسایل شیمیایی و شوک‌های الکتریکی برای دست یافتن به روش‌های "کنترل کننده رفتار انسان" مورد آزمایش قرار گرفته بودند مصاحبه‌ای ترتیب داد.

این "واحدهای تحقیقاتی" برای بررسی پروژه ام - ک - اولترا در کانادا و آمریکا از سال ۱۹۵۷ تا کنون مشغول به کارند و البته در این مدت به پیشرفت‌های "شایان توجهی" نیز دست یافته‌اند! سرشت ستم کارانه حاکمیت اسلامی میهن ما، به ویژه در این است که اکنون با چشمان مردم تحت سیطره خود، به سراب وعده‌هایی که پیش و پس از انقلاب به آنان داده بود، می‌نگرد. رهبران جمهوری اسلامی که از تپه سوختگاه جان‌های پاک و مدافعان منافع مردم و سکوی میرغضبی با مردم سخن می‌گویند و نارضایتی و بی‌باوری آنان را می‌بینند، ناچاروند به بازی در نقش "فاتحی مغلوب" و "خاکسار"

امپریالیسم ادامه دهند. سعادتی که آنان به مردم نوید می‌دادند، تقلبی از آب درآمد. پس باید سعادتی واقعی‌ای که بی‌گبرترین پشتیبانان مردم در کاربنای آن بودند، قلب کرد. سرای آبادآنان را ویران ساخت، تا ویرانی سرای خود به چشم نیاید. چهره معصوم و پاک آنان را آلود، تا کراهت سیمای تنفر انگیز خود از دیده دور بماند. باید سند حقانیت خود را با ناحق جلوه دادن دیگران مهر کرد. باید درید، کوبید، خرد کرد، به خون کشید، نابود ساخت، دیوانه سرانه و جانورخویانه وجدان و سیرت انسانی را غارت کرد تا بی‌وجدانی و بی‌سیرتی خود را پنهان ساخت. باید ثابت کرد، چیزی جز هستی جانورانه و جنگل‌منش انسان در جامعه وجود ندارد. این "شیوه معتاد" رهبران جمهوری اسلامی است.

ولی همه می‌دانند گرچه شب به پایان نرسیده، اما خورشید، پیش از هر رو پنهان کردنی، نوید بازگشت فردایی خود را می‌دهد.

بزرگ‌ترین اهانت به قوه مقننه است که مادر وسط‌کار، یعنی در بین مرحله اول و مرحله دوم انتخابات، بیابیم قانون انتخابات را به این صورت تغییر بدهیم.

مردم نخواهند گفت که آقایان در انتخابات عدای رأی‌نیاوردند و با برفوق مراد آنها نبود، آمدند قانون را برای خودشان تغییر دادند؟ (هادی - کیهان - ۵ اردیبهشت ۶۳).

این نمونه‌ها بیانگر وسعت تدارکات ارتجاع مسلط بر حاکمیت جمهوری اسلامی برای سازمان دادن تقلبات گسترده‌تر و اعمال نفوذ توطئه‌گرانه سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ بر جریان انتخابات دور دوم مجلس شورا است. ترفندهای شیدانه‌ای که به رسوایی بیش از پیش ارتجاع حاکم خواهد انجامید و چهره کریم آن را بیش از پیش پنهان نماید خواهد ساخت؛ ارتجاعی که با خیانت به اهداف انقلاب، قانون جنگل را بر تمامی زمینه‌های زندگی اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران حاکم ساخته است.

در کشوری که خلفان و سرکوب بربرمنشان زحمتکشان و شکنجه و اعدام دگرانیشان به یکی از ارکان اصلی حاکمیت بزرگ زمین‌داران و سرمایه‌داران آستان بوس ارتجاع و امپریالیسم تبدیل شده است، تقلب و قانون شکنی ابطال و وضع قوانین "اصلاحی" قانون انتخابات و دیگر ترفندها باید هم رکن دیگر آن را تشکیل دهد.

ارتجاع در تدارک تقلبات گسترده تر در ...

بقیه از صفحه ۱

علمیه و روحانیت مبارز تهران و سران بازار و حزب جمهوری اسلامی، از همان زمان که در تلاش برای تحمیل فهرست واحد انتخاباتی شکست خوردند، تدارک برای تحمیل نامزدهای مورد نظر خویش را با سوءاستفاده از کلیه امکاناتی که داشتند آغاز کردند. اهرم‌های اجرایی در انتخابات، ابزار اصلی کلاه برداری‌ها و تقلبات شیدانه آنان بود.

با وجود این، رأی منفی مردم به سیاست‌های ارتجاعی حاکمیت جمهوری اسلامی شکست رسوایی‌آمیزی برای آنان به بار آورد. این شکست از هم اکنون بحران حاکمیت را تشدید کرده است. نیروهای ارتجاعی، هم اکنون مرحله تازه‌ای از اعمال نفوذ شیدانه در انتخابات را آغاز کرده‌اند.

تعویق برگزاری دور دوم انتخابات، به این منظور صورت گرفته است که فرصت کافی برای آنان فراهم آید.

در حالی که مهم اصلی در تقلبات انتخاباتی، وزارت کشور است (که وزیر و اکثریت مسئولین آن تابع منافع حزب جمهوری اسلامی هستند) شورای نگهبان بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران، به طور عمده انتخابات شهرهایی

را باطل اعلام کرده است که در آن‌ها نمایندگان این حزب به مجلس راه نیافته‌اند. شهرهای بزرگ اصفهان (با ۵ نماینده) و شیراز (با ۲ نماینده) از این جمله‌اند. این امر خود بیانگر تقلبی مضاعف از سوی نمایندگان مدافعان غارتگری سرمایه‌داری و بزرگ مالکی است.

از سوی دیگر گروهی از نمایندگان شکست خورده و بی‌اعتبار مجلس، اصلاحیه‌ای بر قانون انتخابات را با قید دو فوریت با سرعت تمام از تصویب آخرین نشست‌های مجلس اول گذرانده‌اند که به موجب آن از یک سواحبان شناسنامه‌های بدون عکس، بدون احراز هویت واقعی و زندانیان، بیماران و سربازان در پادگان‌ها و جبهه‌ها تنها با تأیید "مسئولین مربوطه" اجازه شرکت در انتخابات را می‌یابند، و از سوی دیگر تعیین ترکیب هیأت‌های اجرایی انتخابات در اختیار شورای نگهبان قرار می‌گیرد. طراحان این اصلاحیه خواستار آنند که این مصوبه در دور دوم انتخابات فعلی به اجرا در آید (کیهان - ۱۲ اردیبهشت ۶۳).

در این باره نماینده‌ای گفته است: "این طرحی که امروز در مجلس مطرح شده،

نظر انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری تهران و توابع در باره پیش نویس جدید قانون کار

"کیسه خالی خلیفه" یعنی از قانون اساسی بخشی بکنند و سر کارگران را به اصطلاح شیره بمالند!!
در قسمت پایانی مقدمه آمده است که این قانون بر اساس اصول ۲۱، ۲۲، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۴۰، ۴۲، ۴۶ و ۵۰ قانون اساسی تهیه و به تصویب می رسد. در مقدمه و متن پیش نویس، چند اصل مهم قانون اساسی را که مربوط به زندگی و سرنوشت کارگران است، عالما و عامدا از قلم انداخته اند چرا که همه حقوق و امتیازات را به "مدیریت" و وزارت کار و "شورای عالی کار" سپرده اند. ما سعی می کنیم در این محدوده به توضیح بیشتری بپردازیم:

۱- در بندهای ۲، ۴، ۶ اصل سوم قانون اساسی از بالا بردن سطح آگاهی های مردم در همه زمینه ها، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی، تقویت روح پرزسی و تنبیه و ابتکار در همه زمینه ها برای عموم تأکید شده و در اصل سی ام نیز آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا دوره عالی لازم شمرده است. به نظر ما تدوین کنندگان پیش نویس، به این علت اصول یاد شده قانون اساسی را به کار نبرده اند که کارگران شهری و روستایی ما از همان دوران کودکی برای تأمین معاش خانواده اجبارا به کار بپردازند و از تحصیل و تقویت روح پرزسی و تنبیه و یا داشتن فرصت کافی برای کسب دانش و شرکت در رهبری کشور (بند ۲ اصل ۲۲) بازمانند. در پیش نویس، کودکان کشاورز از سن ۱۲ سالگی (ماده ۹۵) و کودکان کارگر از ۱۵ سالگی (ماده ۲۱) می بایست با صاحب کار قرارداد امضاء کنند (آنهم به صورت زدی) و آنگاه به کار گمارده شوند. عجیب تر آنکه، تدوین کنندگان به اصطلاح وفادار به قانون اساسی، اضافه کاری کارگران را به ۶ ساعت در روز بالا برده اند (ماده ۷۰ پیش نویس) در صورتی که در قانون کار سابق حداکثر اضافه کار روزانه ۴ ساعت بود!! به این ترتیب حضرات ضمن آنکه فشار را نسبت به دوران حاکمیت وابسته به امپریالیسم شاه بر کارگران افزایش داده اند، به این شکل کار و صرف ۱۴ ساعت کار روزانه (تقریبا ماده ۶۸) با در نظر گرفتن ساعات کاری خواهند با بیسوادی مبارزه کنند!!

۲- در بند ۶ اصل سوم قانون اساسی، محور هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی و در بند ۷ آن، تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون تأکید شده است، این تأکیدات در اصل بیست و سوم قانون اساسی نیز به صورتی واضح و آشکار بیان شده است. اما متأسفانه در این پیش نویس، تمام اصول ذکر شده نقض گردیده است. از جمله در بخش وظایف و اختیارات شورای اسلامی کارگران، شورا خود رأسا این اجازه را نیافته است که آزادانه در امور سیاسی و اجتماعی شرکت کند، بلکه می بایست با "واسطه"، یعنی به وسیله انجمن های اسلامی که هنوز نحوه کار و فعالیت آن توسط مجلس شورای اسلامی رسمیت نیافته است، به این مقصود دست یابد (بند ۶ ماده ۱۷۸).

همچنین در بند ۸ اصل سوم قانون اساسی آمده است که با "مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش"، واضح است که منظور از مشارکت عامه مردم در سرنوشت خویش آن بوده است که کارگران و دیگر اقشار زحمتکش جامعه بتوانند از دست آوردهای انقلاب به خوبی دفاع کرده و به خواست های اساسی خود که به خاطر آن ایثارگری و جانبازی های کم نظیری کرده اند، دسترسی پیدا کنند. پدیده ای است که کارگران، دهقانان، کارمندان و دیگر اقشار زحمتکش جامعه ام از زن و مرد نخواهند توانست حاصل رنج های بیگران خود را به دست آورند. برای رسیدن به این مقصود در قانون اساسی ما (اصولی) آمده است. از جمله در اصل ۲۶ آزادی احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی، تضمین شده است. وظیفه اصلی ارگان های حاکم بر مملکت اینست که آزادی تشکیل اجتماعات از جمله "انجمن های صنفی" را برای کارگران و دیگر زحمتکشان فراهم سازند. مورد دیگر آن که در اصل ۱۰۴ قانون اساسی، تأکید شده برای ایجاد هم آهنگی در پیشرفت امور، کارگر، دهقان، کارمند و مدیر (همگی با حقوق مساوی) می بایست شورا تشکیل دهندند آنکه طبق پیش نویس، کارگران را از تشکیل انجمن های صنفی یا سندیکا محروم کنند و شورای اسلامی را نیز در خدمت "مدیریت" یا تشکل کارفرمایی قرار دهند که در آن فقط یک عضو شورا، به عنوان رابط به صاحب کار یا "بنیادگان قانونی" او معرفی شود (ماده ۱۸۲ پیش نویس) این عضو شورا بیشتر در "مدیریت" صرفا نظر مشورتی دارد (ماده ۱۸۱). با این ترتیب چگونگی مشارکت مردمی در سرنوشت خویش مشخص می شود!!

جهت ایجاد تشکل سراسری طبقه کارگر به کار برده است. به همین دلیل اکنون حدود ۲ سال است که اعضا و فعالین این انجمن تحت پیگرد و تفتیقات شدید عوامل سرکوب حاکمیت قرار گرفته اند. نظر به سیاست عمری "راه توده" در اشاعه نظرات سازمان های کارگری و مترقی، متن این اعلامیه را به نظر خوانندگان خود می رسانیم.

لازم به توضیح است "راه توده" نظرات مشروح خود را در مورد پیش نویس اخیر قانون کار در ضمیمه اول ماه مه شماره ۸۹ منتشر کرده است.

بنجین سالگرد انقلاب را در شرایطی پشت سر گذاشتیم که مصیبت های جنگ، انسوز و خسارات (حملات متعدد آن) بر دوش توده های زحمتکش شهر و روستا، بل می کند، سرمایه ها کماکان روی هم انباشته می شود و قدرت حاکم کشور، در دست مستکبران و عوامل رنکارنگ آنان متمرکز می گردد و... قدرتمندان که مطابق میل امپریالیسم و در رأس آنان آمریکای جنایتکار عمل می کنند، زندگی را بر توده های میلیونی جامعه تنگ و تنگ تر ساخته و به صورتی عمل اند که شور و نشاط اولیه جشن بزرگ انقلاب، تدریجا ازل و جان کارگران و اقشار زحمتکش جامعه خارج شود. در چنین وضع و حالی طبیعی است که مراسم اری سالگرد انقلاب بی رونق گردد.

ما اطمینان داریم که همت و قدرت سازندگی، توأم با مبارزات متحدانه گران و زحمتکشان میهن، بالاخره بر مشکلات موجود غلبه خواهد کرد و جشن سری پیروزی بر قوای امریمنی مستکبران را دیر یا زود برپا خواهد ساخت.

قارگران با گذشت بیش از پنج سال از سالگرد انقلاب، "عیدی" خود را دریافت ند. پس از حدود ۱۵ ماه از انتشار پیش نویس کاذبی آقای توکلی که کارگران با زات پی گیر خود آن "سند سیاه" را به دور افکندند، دولت مردان ما در تاریخ ۲ و ششم بهمن ماه جاری، پیش نویس جدید را انتشار دادند و برای کارگران الاجل یک روزه قائل شدند که در سینار وزارت کار نظرات خود را مطرح ند. این پیش نویس که به عقیده ما از قانون کار شاهنشاهی و پیش نویس آقای ی ترکیب یافته است، به هیچ وجه جوابگوی خواست های میلیون ها کارگر و نکش نبوده و مغایر با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. همان طور که در ها و مصاحبه های سال گذشته (با دبیر انجمن همبستگی در روزنامه کارگری اتحاد) کر نمایندگان نهادهای کارگری پیش بینی شده بود، کارگران را با پیش نویس ی به "مرگ" گرفته بودند که به "تب" پیش نویس جدید راضی شوند. این نویس که به درستی می توان آن را "قانون وزارت کار" نام نهاد، همه امکانات و برالحمل هاراد ر دست وزارت کار یا شورای عالی کار (که ۹۰ عضو از ۹۰۰ عضو آن را وزیران طه تشکیل می دهند) قرار داده و حق انتخاب را آن طور که در قانون اساسی از بندهای ۸ و ۹ اصل ۲ و همچنین اصول ۲۲ و ۲۶ و ۴۲ و ۴۰، آمده است، از کارگران کرده اند.

ما سعی می کنیم نکات مهم تر پیش نویس را ارزیابی کرده و مغایرت آن را با قانون می آشکار سازیم؛ الف- در مقدمه پیش نویس از شکوفایی استعدادها و رسیدن به کفایت اقتصادی، توأم با کرامت ارزش والای انسان و با نلی هرگونه استثمار و کشتی فرد از فرد و همچنین مشارکت در برنامه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نگلی و نظایر آن سخن به میان آمده است. ولی در متن پیش نویس، کلیه این مفاهیم از اصول ۲ و ۳ قانون اساسی اقتباس شده، به طور کامل نقض گردیده است. به ه ما این جملات زیبا به این علت در مقدمه پیش نویس نقل شده که در هیچ دادگاه مکه ای قابل استناد نیست. در واقع تهیه کنندگان پیش نویس خواسته اند از

غیرا اعلامیه ای از سوی "انجمن ستگی سندیکاها و شوراهای گری تهران و توابع" که در آن منتشر شده، به دست ما ده است. "انجمن همبستگی" در اعلامیه ضمن نقد پیش نویس ر قانون کار و آشکار ساختن نضات شدید میان آن و اصول رن اساسی، ویژگی کارگر ستیزی کمیت و خیانت سردمداران آن به آرمان های انقلاب نشان داده ن.

انجمن همبستگی در طول سال های از انقلاب بهمن، همواره یکی از یرترین تشکل های صنفی گران بوده و تمام تلاش خود را

نظر انجمن همبستگی

بقیه از صفحه ۷

از طرف دیگر "مدیر" حق پیدا کرده است با حقوق برابر با کارگران در "مجمع کارکنان" شرکت کند (ماده ۱۱۷) که در ماده ۹۸ پیش‌نویس، به نام "شورای اسلامی کارگران" نام‌گذاری شده است!!!

اگر این شورا متعلق به کارگران است و در ماده ۱۹۸ تکلیف شده است که فقط حق "مشاوره" با "مدیریت" را دارد "نه بیشتر" دیگر چه معنی دارد "مدیر که برای او تشکیلات جداگانه" و غیرقابل دسترسی پیش‌بینی شده است در "مجمع کارکنان" شرکت کند و از حق رأی نیز برخوردار بشود! مگر به کارگر، این حق داده شده است که به "مجمع مدیران" با حقوق برابر با آنان شرکت نماید!؟

آیا منظور از برابری مردم در مقابل قانون (اصل ۱۹) و یا اجرای دقیق اصل ۱۰۴ قانون اساسی همین بوده است؟

۲- در بند ۴ اصل سوم قانون اساسی آمده است که: "تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون و برخورداری از تساوی حقوق در اصل نوزدهم نیز تأکید شده است. همان‌طور که گفته شد، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی نیز در بند ۷ اصل سوم قید شده است. از طرف دیگر تفتیش عقاید سیاسی نیز در اصل سوم قانون اساسی منع شده است. با این وجود می‌بینیم که هیچ‌یک از این رهنمودها به گوش دست‌اندرکاران تهیه پیش‌نویس فروتنفته است. در اینجا حقوق افراد زحمتکش، ظالمانه به نفع مدیران و سرمایه‌داران نقض شده و "تفتیش عقاید"، به جای آنکه منع شود، قویا اعمال می‌شود. از جمله در تشکیل "شوراهای اسلامی"، کارگران آزاد نیستند نمایندگان دلخواه خود را انتخاب کنند. آنان مقید شده‌اند که بندهای "د" و "ه" ماده ۱۷۳ را رعایت کنند. از میان احزاب و جمعیت‌ها که در اصل ۲۶، آزادی تشکیل آنها داده شده است، در واقع تنها "حزب جمهوری اسلامی" از این حق برخوردار شده است. از این مراحل که بگذریم تشخیص صلاحیت کاندیدها نیز به عهده هیأت ۳ نفره محول شده است که فقط یک نفر از آنان نماینده "مجمع کارکنان" است (ماده ۱۷۴). جالب‌تر اینکه در تبصره همین ماده تأیید صلاحیت نماینده منتخب "مجمع کارکنان" نیز، به عهده وزارت کار و در مراحل بعدی، "شورای اسلامی منطقه" گذاشته شده است. بدون آنکه از نحوه تشکیل و حدود وظایف "شورای اسلامی منطقه" در پیش‌نویس ذکری شده باشد. با این ترتیب هم "امنیت قضایی" و هم "تساوی عموم در برابر قانون" و هم "آزادی‌های سیاسی و اجتماعی" که در قانون اساسی به مردم وعده داده شده، در این پیش‌نویس نقض گردیده است. مأموران جمهوری اسلامی در کارگاه‌ها و کارخانجات، کارگران را به عناوین مختلف، به اصطلاح پاکسازی می‌کنند و یا مورد تعقیب و بی‌گرم قرار می‌دهند. به کارگران به جان آمده از ظلم و ستم در کارخانه، دخانیات مسلحانه پورش می‌آورند و کارگران را مجروح و بازداشت و اخراج می‌کنند. فرمان بخش خصوصی و تشکل‌هایشان از جمله "انجمن مدیران" علیه کارگران وسیعاً اجرا می‌شود. در همین حال و هواست که پیش‌نویس کنونی تهیه و تدوین می‌گردد!!!

۴- در مقدمه پیش‌نویس از اصل ۴۶ قانون اساسی که احترام به مالکیت است نام برده شده، ولی اصل ۴۹ از قلم انداخته شده است. به یاد بیاوریم که در اوایل انقلاب، کارگران خود رأساً کارگاه‌ها و کارخانجات سرمایه‌داران بزرگ و توطئه‌گر را مصادره کرده و اداره آن واحدها را به صورت شورایی (موضوع اصل ۱۰۴ قانون اساسی) در اختیار گرفتند و سپس به نمایندگان دولت و دیگر نهادها تحویل دادند دیدیم که مدیران انتصابی دولت و نهادها، تدریجاً عوامل مشکوک و مزدور طاغوتیان را مجدداً به پست‌های حساس گماردند و بدین وسیله به فداکاری و از خودگذشتگی‌های کارگران پاسخ دادند!!!

در پیش‌نویس بسیار اهمیت داشته است که موضوع مالکیت و حدود و اختیارات آن مشخص شود و اصول ۴۳ و ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی برای محدود کردن مالکیت بخش‌های خصوصی معیار قرار گیرد. بی‌اعتنایی به این اصول، یعنی مجاز شدن بهره‌کشی و استثمار کارگران در قانون اساسی اکتفا ممنوع شده است.

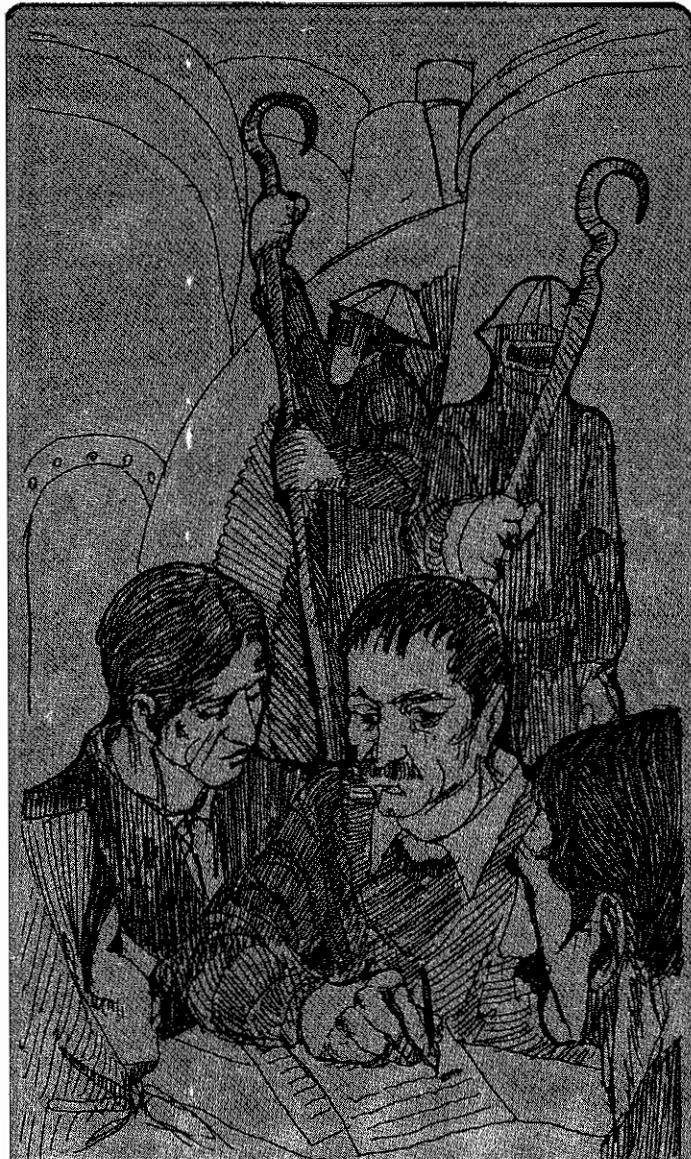
از مقدمه پیش‌نویس که بگذریم اشکالات اساسی و عمده در متن آن مشاهده می‌شود. ما سعی می‌کنیم رتوس آن را در این محدوده مشخص کنیم:

تشکل‌های کارگری

الف- بازم تشکیل کارگران - عمده‌ترین حقی که در این پیش‌نویس از کارگران مضایقه شده، حق تشکیل آزادانه و بدون قید و شرط تشکل‌های کارگری است که از جمله در اصل ۲۶ قانون اساسی تأکید شده و در قسمت پایانی آن آمده است که: "هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت". در ماده ۱۶۱ پیش‌نویس، با الهام ظاهری از قسمت پایانی اصل ۲۶، هر کس را که به قبول عضویت در سازمان‌های کارگری یا کارفرمایی وادار کنند و یا

مانع از عضویت وی در سازمان‌های مورد نظر گردند، به جرمه نقض وی یا حبس از یک ماه تا دو ماه محکوم می‌گردد! عجیب است در این پیش‌نویس، فقط یک تشکل، یعنی "شورای اسلامی" برای کارگران منظور شده، اما صحبت از سازمان‌های کارگری یا کارفرمایی مطرح می‌شود!!

اگر منظور سازمان‌های کارفرمایی است که در حال حاضر و به صورت وسیع و گسترده به نام‌های سندیکا، اتحادیه، اطاق‌های بازرگانی و صنایع و معادن و انجمن مدیران وجود دارد و با دست قدرتمندان حاکم، این تشکل‌ها رو به گسترش است. ولی در باره کارگران، تشکلی باقی نگذاشته‌اند! آقای توکل‌ی تشکل کارگران یعنی



قانون کار باید به دست توانای نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان تهیه و تدوین گردد

سندیکاها را غیرقانونی اعلام کرد و به دنبال این اقدام، گروهی از فعالان جنبش سندیکایی "به جرم" دفاع از انقلاب و قانون اساسی به زندان افتادند و شوراهای اسلامی نیز از قدرت انداخته شد. در این پیش‌نویس نیز، خط توکل‌ی‌ها پی گیری شده است. عجیب‌تر آنکه آقایان خود قاضی دادستان هم شده‌اند و از هم اکنون محکمه تشکیل داده و خطاکاران را به جرمه و حبس از یک ماه تا دو ماه محکوم می‌کنند (دنیاله ماده ۱۶۱)!!!

هم اکنون میلیون‌ها کارگر و زحمتکش در کارگاه‌های کوچک صنایع و صنایع و اراضی زیر کشت، به صورت پراکنده کار می‌کنند و چون تعدادشان به حد نصاب ۵ نفر در هر واحد کار نمی‌رسد (ماده ۱۷۰) جبراً از حق تشکیل شورا که تنها تشکل موجود در پیش‌نویس است، محروم شده‌اند. تدوین کنندگان پیش‌نویس و حامیان پشت پرده آنان که برای ایجاد و توسعه تشکل‌های کارفرمایی و قدرت دادن به آنان دستی گشاده دارند، در باره کارگران، حتی به اندازه قانون کار حاکمیت پس

نظر انجمن همبستگی

بقیه از صفحه ۸

رضاخان نیز اقدام نکرده اند. در آن قانون از ماده ۲۵ تا ۳۰ به سندیکاها اختصاص داشت که بی شک آن قانون نیز زیر تأثیر مبارزات فدائیان کارگران و همچنین رعایت نسبی موازین بین المللی از جمله: مقررات "سازمان بین المللی کار" تدوین یافته بود.

قدرتمندان حاکمیت فعلی، علی رغم دفاع ظاهری از مستضعفان، خود را ملزم به اجرای قانون اساسی نمی دانند تا چه رسد به قوانین بین المللی ۱۱۱ ب - در ماده ۸ پیش نویس "شورای عالی کار" مأموریت یافته است درباره بخش وسیعی از کارگران ماهی گیر، ملاح، کارکنان کشتی ها (که هم اکنون با آتش موشک های صدام جنایت کار به شهادت می رسند و یا در خطر نابودی قرار دارند) صرفاً در باره مدت کار، تعطیلات، مرخصی ها، مزد و حقوق این کارگران آیین نامه تهیه کند. نه شکل آنان. کارگران کارگاه های کوچک نیز از داشتن شکل محروم شده اند (ماده ۱۰ پیش نویس)، "شورای عالی کار" مأموریت یافته است فقط در مورد "شرایط کار" این انبوه کارگران آیین نامه تهیه کند نه شکل های آنان! ۱۱۱

ج - کارگران فصلی که تعدادشان به صدها هزار نفر بالغ می شود و اغلب به صورت پراکنده و دور از خانه و خانواده کاری کنند نیز، اجازه شکل و پیوند با یکدیگر نیافتاده اند. البته در کارگاه هایی که تعداد این محرومین به ۲۵ نفر می رسد، می توانند فقط یک نفر نماینده به شورای اسلامی واحد خود (اگر باشد) معرفی کنند (ماده ۱۷). این کارگران علاوه بر داشتن شورای مستقل، منع شده و در پیش نویس به صورت "تابع" شورای واحد خود درآمده اند. این تبعیض آشکار که اجرای آن در اصل ۱۹ و بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی توصیه شده است، نشان می دهد که دست اندرکاران تهیه این پیش نویس تا چه حد نسبت به اجرای قانون اساسی بی اعتنا هستند و تا چه میزان از دردها و محرومیت های توده های زحمتکش جامعه بی خبرند. جالب تر آنکه تشخیص ایجاد شورا در کارگاه های موقت فصلی و ساختمانی به عهده وزارت کار گذاشته شده است (تبصره ماده ۱۶).

د - این شکل نیم بند یعنی "شورای اسلامی" نیز از کارگران و دیگر کارکنان شرکت های بزرگ دولتی از قبیل شرکت های تابعه وزارت نفت، صنایع فولاد ایران، صنایع مس و نظایر آن، دریغ شده و زمان تشکیل شورا به عهده "شورای عالی کار" محول شده است. (تبصره ماده ۱۷).

به دلایل ذکر شده، مشخص می شود که بخش اعظم نیروی کار جامعه طبق "ملاحید" دست اندرکاران تهیه پیش نویس قانون کار (که حقا می بایست در چارچوب قانون اساسی و با مشارکت نمایندگان کارگران تدوین می یافت) از حق داشتن شکل محروم شده اند.

پیمانهای دستجمعی

در ماده ۲۱ بخش "روابط کار" پیش نویس، هر فرد که اهلیت قانونی پیدا می کند ملزم می شود که "تنهایی" با صاحب کار قرارداد منعقد نماید (ماده ۲۱).

اولاً: در قانون کار - می بایست محور "روابط کار" از اصول ۲، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۲، ۱۰۰ قانون اساسی و نظایر آن اقتباس و تنظیم گردد. ثانیاً: به جای اینکه افراد پراکنده به صورت جداگانه موظف به انعقاد قرارداد شوند (که پراکندگی آنان باقی بماند) می بایست نمایندگان آنان از طریق شکل های کارگری با رعایت دقیق "طبقه بندی مشاغل" با شکل های کارفرمایی قرارداد منعقد نمایند. در قانون کار، کلیه امتیازات از هنگام اشتغال تا بازنشستگی می بایست برای کارگران، پیش بینی شود و در عین حال مجازات هایی برای کارفرمایان در نظر گرفته شود که در دادگاه ها و محاکم مربوطه نمایندگان کارگران نیز شرکت داشته باشند.

در تبصره ۲ ماده ۱۷ پیش نویس از "مواعبی" صحبت شده که بسیار کمتر از امتیازاتی است که کارگران در قانون کار سابق به دست آورده بودند. مهم تر آنکه وصول این به اصطلاح مواهب چون پشتوانه کارگری ندارد تأمین و تضمین نمی شود. در پیش نویس می بایست حق اعتصاب به رسمیت شناخته شود که کارگران از طریق تشکل هایشان، کارفرمایان خطا کار را به اجرای قراردادهای دستجمعی ملزم نمایند. اینکه گفته می شود در صورت تخلف دولت امکانات را در اختیار صاحب کاران قرار نخواهد داد (مواد ۱۱۷ تا ۱۱۹) شوخی به نظر می رسد. هنگامی که کارفرمایان و تشکل های متعدد آنان می توانند ترکیب دولت را به دلخواه خود تغییر دهند و یا

نمایند به مجلس شورای اسلامی بفرستند، دولت چگونه می تواند امکانات را در اختیار آنان قرار دهد؟! ۱۱۱

ثالثاً: اگر صاحب کار، بخش دولتی باشد که قانون را اجرا نکند (که هم اکنون نیز اجرا نمی کند) در آن صورت کارگر به چه مقامی می تواند شکایت کند و یا نزد چه مرجعی دادخواهی نماید که شروط ضمن عقد قرارداد (تبصره ۱ ماده ۱۷) توسط کارفرما زیر پا گذاشته شده است! ۱۱۱

اخراج

۱ - کارگران در این چند ساله بعد از انقلاب، به طور گسترده ای خواهان لغو ماده ۱۳ قانون کار سابق بودند. تدوین کنندگان پیش نویس، این فریادهای رسای کارگران را نشنیده گرفتند و مسأله اخراج را کماکان در اختیار کارفرمایان باقی گذاشتند. در قانون کار سابق، حق اخراج بیشتری در ماده ۳۳ برای کارگران در نظر گرفته شده بود. در این پیش نویس آن هم رعایت نشده است. مثلاً در ماده ۲۴ صریحاً تأکید شده و در صورتی که اخراج یا پایان قرارداد به جهت از کار افتادگی ناشی از کار باشد، در ازای هرسال خدمت، فقط یک ماه حقوق به او تعلق می گیرد. تصور کنید کارگر جوان و یا نوجوانی در همان سنین اولیه کار دچار حادثه شده و مثلاً عضوی از بدن خود را از دست بدهد، یک عمر درد و رنج و بیماری و بی کاری را تحمل نماید. آیا این مبلغ ناچیز خسارت چه دردی از کارگر معلول درمان خواهد کرد؟

در قانون کار سابق، بسته به شرایط، تا ۳ سال خسارت اخراج پرداخت می شد و برای هر عضو از دست رفته نیز، فرامت جداگانه ای در نظر گرفته شده بود. دست اندرکاران تهیه پیش نویس ثابت کرده اند که تا چه حد به دشمنی با کارگران محروم اقدام کرده اند. مگر در فقه اسلام مسأله "دیه" یا فرامت و نظایر آن وجود نداشته است که مدافعان ظاهری اسلام آن را از یاد برده باشند! مسأله پرداخت فرامت توسط سازمان تأمین اجتماعی چه ارتباطی، به کارفرما دارد که کارگر را از کار انداخته است. ثانیاً: هنوز مسأله بیمه ها و تأمین اجتماعی برای کارگران تعیین نشده است. در این صورت کارگر معلول به کجا پناه برد و معاش خود و خانواده اش را که از این پس قادر به تأمین آن نیست چگونه فراهم کند! ۱۱۱

۲ - در ماده ۳۳ پیش نویس که روی ماده ۳۳ قانون کار شاهنشاهی را سفید کرده است گفته می شود: "در صورتی که کارگاه بر اثر قوه قهریه از قبیل زلزله یا سیل... و یا جنگ و نظایر آن به تشخیص دادگاه کار، تعطیل و کارگران بی کار شوند، کارفرما مکلف به پرداخت خسارت خواهد بود". می دانیم که بسیاری از این کارگاه ها، بیمه تجاری هستند که می توانند در صورت آسیب دیدگی کارگاه خسارت وارده را از بیمه دریافت کنند و یا از دولت و بانک ها کمک بگیرند و کارگاه را مجدداً به کار اندازند که در آن صورت کارگر جدید استخدام کرده و سابق کارگران اخراجی، بدون پرداخت خسارت از میان می رود. از همه این ها که بگذریم آیا دولت چه وظیفه ای در قبال کارگران اخراجی دارد! مسأله امنیت شغلی که در اصل ۲۸ و بند ۴ اصل ۴۴ قانون اساسی تأکید شده چه می شود! اگر دولت قانون اساسی را زیر پا گذارد دیگر از کارفرمای بخش خصوصی چه انتظاری می توان داشت! ۱۱۱

مراجع رسیدگی

الف - در صورت بروز اختلاف بین کارگر و کارفرما اولین مرجع به نام "هیأت تشخیص" معرفی شده (ماده ۳۱) که در قانون کار سابق "شورای کارگاه" نامیده می شد. این هیأت برخلاف شورای کارگاه سابق، اختیار تعیین فرامت برای کارگر اخراجی ندارد (بند الف ماده ۳۱) ولی در بندهای "ب" و "ج" همین ماده، هیأت تشخیص اختیار یافته است که کارگر اخراجی را به محل قبلی خود بازگرداند و یا به کارگاه دیگر منتقل نماید. این دو بند نسبت به سابق پیشرفته تر محسوب می شود. اما در مورد انتقال می بایست شرایط قبلی کارگر اخراجی ذکر شود که حقوق و مزایای کمتری به او تعلق نگیرد. تهیه و تدوین شناسنامه کار برای حل این قبیل مشکلات بسیار ضروری است.

در بند "د" همین ماده، هیأت ضمن تأیید اخراج می تواند کارگر را به هیأت حل اختلاف معرفی نموده و مانع تعیین فرامت اخراج گردد. مابدون توضیح بیشتر قضاوت را به کارگران محول می کنیم.

ب - در قانون سابق تعداد اعضای هیأت حل اختلاف ۹ نفر بودند که ثلث آن را نمایندگان کارگران تشکیل می داد. در هیأت فعلی این تعداد به ۵ نفر تنزل یافته که فقط یک عضو از ۵ عضو آن نماینده کارگر می باشد (ماده ۳۲) که در هیأت تشخیص همین بقیه در صفحه ۱۰

کارگران تنها با ایجاد تشکیلات مستقل، می توانند ارتش خود را در مقابل سرمایه داران و حامیان آنها در حاکمیت سازمان دهند!

نظر انجمن همبستگی

بقیه از صفحه ۹

یک عضو را هم می‌تواند وزیر کار "انتصاب" نماید (تبصره ۲ ماده ۲۱) با این ترتیب تکلیف کارگر اخراجی معلوم است ۱۱۴ طبق مواد پیش‌نویس، کارگر هم اخراج می‌شود و هم خسارت چندانی به او تعلق نخواهد گرفت و مهم‌تر اینکه در مجامع رسیدگی نیز صاحب اختیاری نیست، ایست نحوه مشارکت کارگران در سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی که در اصول قانون اساسی از جمله بند ۸ اصل سوم آن تأکید شده است ۱۱۴

مزد

مسأله رفع نیازهای اساسی انسان از جمله: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان که در بند ۱ اصل ۴۲ قانون اساسی و سایر اصول آن آمده است، می‌بایست در محوره‌های اساسی قانون کار قرار گیرد و برای کارگران، تضمین کافی در نظر گرفته شود که مزد او کمتر از میزان مقرر نباشد. حداقل میزان دستمزد می‌بایست کلیت زندگی امروزه یک خانواده چهار نفری را ضمن حل مشکل مسکن، خوراک، پوشاک و ... بنماید. در ماده ۴۰ پیش‌نویس مسأله رفع نیازهای اساسی کارگر و افراد تحت تکفل او، معیار تعیین دستمزد قرار گرفته، در حالی که در ماده ۴۴ آن که از قانون کار سابق اقتباس شده، میزان تعیین دستمزد برای اداره یک خانواده ۴ نفری در نظر گرفته شده با این تفاوت که برای دو فرزند خانواده شرط سنی "تا ۱۵ سال" قائل شده، ظاهراً منظور آنست که فرزندان کارگران در سن ۱۵ سالگی خود رأساً باید به کار مشغول شوند ۱۱۴ محاسبه تورم حتماً می‌بایست در افزایش دستمزدها رعایت گردد.

کارمزد

در حال حاضر کارگاه‌های بی‌شماری در کشور وجود دارد که با به کار بردن شیوه‌های "کارمزدی"، حداکثر استثمار و بهره‌کشی از کارگران را اعمال می‌کنند. کارگران در مقابل مسؤلان از کودک خردسال تا افراد مسن بالاتر از ۶۰ سال که حقا می‌بایست از مزایای بازنشستگی استفاده کنند، ساعت‌های طولانی کار می‌کنند. با این وجود قادر نیستند، حداقل معاش خود و خانواده را فراهم سازند. در این قبیل کارگاه‌ها حداقل دستمزد، تعطیلات و مرخصی‌ها، ساعات کار و مهم‌تر از همه بیمه‌های اجتماعی رعایت نمی‌شود. قیمت واحد تولید (کالای تولید شده) بسیار ناچیز است. هر چند قیمت فروش کالای تولید شده در بازار آزاد افزایش می‌یابد، ولی کوچک‌ترین تغییری در افزایش کارمزد واحد تولیدی داده نمی‌شود. کارفرمایان این واحدها و سایر واحدهای "دستمزدی"، از بازار بی‌کاری کنونی، حداکثر سوءاستفاده را به زیان کارگران اعمال می‌کنند. دولت و مجریان قانون هیچ‌چاره‌ای برای این محرومان نمی‌اندیشند. لازم است اولاً، دولت و مجلس شورای اسلامی، شواهدی برای تأسیس این قبیل کارگاه‌ها تعیین و تصویب نمایند. ثانیاً، صاحبان این کارگاه‌ها موظف شوند شواهد مندرج در قوانین از جمله بیمه کارگران را دقیقاً اجرا کنند. در پیش‌نویس، شن آنکه همه این مسایل به فراموشی سپرده شده، فقط مزد ایام تعطیل کارمزدبگیران محاسبه شده که بسیار ناچیز و ناکافی است (ماده ۸).

تأمین اجتماعی

با اینکه در مقدمه پیش‌نویس، اصل ۲۹ قانون اساسی آورده شده است، مع‌الوصف در متن آن هیچ‌گونه تضمینی برای بازنشستگی، بی‌کاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، حوادث و سوانح، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی برای کارگران به عمل نیامده است. در پیش‌نویس ضمن آنکه برای کارهای سخت امتیازاتی به سود کارگران این کارگاه‌ها در نظر گرفته شده است ولی نوع کارهای سخت و کسب امتیازات می‌بایست درجه بندی شود براساس کارهای سخت‌تر در شرایط جوی مشکل‌تر، امتیازات تقسیم شود. هم‌اکنون در شهرستان‌ها و نقاط دورافتاده و بدآب و هوا از جمله در کشتی‌ها و بنادر دریایا و معادن، کارگران در فضای محدود با کمبودهای بی‌شمار بهداشتی کار می‌کنند. در همین حواشی شهر بزرگ تهران، انواع کارهای سخت و زیان آور وجود دارد که کارگران را در مقابل درد و آتش و هوای گندآلود و متعفن قرار داده و اغلب کارگران در این مکان‌ها با کمبود اکسیژن روبرو بوده و با گازهای سمی و کردهای آزار دهنده دست و پنجه نرم می‌کنند. کارگاه‌های استخراج کچ و سیمان و زغال سنگ و تخلیه و بارگیری آن و کارخانجات تولیدی مواد شیمیایی و ذوب فلزات و نظایر آن و همچنین کوره‌های آجر پزی و غیره از جمله این کارگاه‌ها به شمار می‌روند. در کارگاه‌های صنوف که بسیاری از آنان مشمول "سخت‌کاری" می‌شوند، اغلب مسأله تعطیلات و مرخصی‌ها رعایت نمی‌شود و از کار کودکان خردسال بهره‌گیری می‌شود. دولت موظف است راه جلوگیری از این تشییقات و همچنین تضمین سلامتی و حقوق و مزایای کارگران را در

قانون کار پیش‌بینی نماید. در قسمت پایانی اصل ۲۹ قانون اساسی، دولت موظف شده است خدمات فوق‌الذکر را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند. در همین رابطه است که ایجاد صندوق "بیمه بی‌کاری" به ویژه در شرایط کنونی می‌بایست در سرنوشت برنامه‌های دولت و وزارت کار قرار گیرد.

زنان

همان‌طور که در بند ۲۴ اصل سوم و همچنین اصول نوزدهم و بیستم و بیست و یکم قانون اساسی تأکید شده است، می‌بایست حقوق زنان و کودکان آنان از دوران بارداری و شیرخوارگی و بعد از آن تأمین و تضمین گردد. در این پیش‌نویس اولاً، برابری حقوق در مقابل قانون که در اصول فوق‌الذکر قانون اساسی آمده، رعایت نشده است. از جمله میزان مرخصی زایمان برای زنان کارگر جمعا ۲۵ روز در نظر گرفته شده که نسبت به کارمندان ۱۵ روز کمتر تعیین شده است (ماده ۸۶).

ثانیاً، ایجاد شیرخوارگاه و مهدکودک به شرایطی موقوف شده که به قول معروف "موقوف به محال" قلنداد شده است (تبصره ۲ ماده ۸۶).

ثالثاً، لازم است زنان نیز طبق اصل بیستم قانون اساسی همچون مردان (اگر نصیب شود) از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ... برخوردار شوند و در قانون کار، شن تأمین اجتماعی، از جمله نسبت به ایجاد بیمه خاص بیوگان، زنان سالخورده و بی‌سرپرست که در اصل ۲۱ قانون اساسی تأکید شده است، اقدام گردد.

مقررات مختلف

الف- شورای عالی کار- در حالی که وظایف بسیار زیادی به این شورا سپرده شده که بالغ بر ۱۵ ماده از پیش‌نویس است و غالباً تهیه آیین‌نامه‌های مختلف نیز به این شورا سپرده شده است. مع‌الوصف با این همه کار و مشغله در هر ماه، حداقل یک بار جلسه تشکیل می‌دهند. از طرف دیگر از ۹ عضو شورای عالی، ۵ عضو آن "وزیر هستند". کارگران جمعا دو عضو در شورا دارند که مرکب از کارگران صنعتی و کشاورزی است. این شورا که در واقع ستون فقرات آن را می‌بایست کارگران تشکیل دهند، که با کار شبانه روزی خود احتیاجات جامعه را تأمین می‌کنند، علا درید قدرت و زیرانی قرار گرفته که از کار و محرومیت و دردهای ناشی از آن و همچنین تخصص و کارایی آن بی‌خبرند. به همین دلیل ماهی یک بار جلسه می‌گذارند که در باره سرنوشت کارگران و کشاورزان که حقا می‌بایست خودشان در این زمینه تصمیم‌گیری بنمایند، اتخاذ تصمیم نمایند! اختیارات وسیع‌تر از جمله انتصاب "نماینده" کارگران برای وزارت کار، در نظر گرفته شده است. تنها افراد بی‌اختیار در پیش‌نویس، کارگران هستند ۱۱۱!

ب- در پیش‌نویس امتیازاتی از قبیل مرخصی ایام تولد و ازدواج فوت برای کارگران در نظر گرفته شده است (ماده ۸۱) با توجه به اینکه این رویدادها در تمام طول زندگی بسیار نادر اتفاق می‌افتد، یعنی مثلا پدرانشان یک بار بیشتر نمی‌توانند فوت کنند، مسأله این امتیازات نیز روشن می‌گردد ۱۱۱!

ج- در پیش‌نویس کار کشاورزان نیز به عهده وزارت کار محول شده. این وزارتخانه که قادر نبود مشکل کارگران را حل کند و کارگران به آن نام "وزارت کارفرما" نهاده‌اند اکنون می‌خواهند مشکل کشاورزان را نیز به اصطلاح حل نمایند، به قول معروف "موش به سوراخ نمی‌رفت یک جارو هم به دوش بست".

نتیجه: همان‌طور که در متن بیانیه آورده ایم، مسؤلان و دست‌اندرکاران تهیه و تدوین پیش‌نویس قانون کار آنچنان در خدمت پول و سرمایه قرار گرفته‌اند که تصور نمی‌رود حتی با نظرخواهی از کارگران و تشکیل سینار آن‌هم با ضرب‌الاجل یک روزه بتوانند آنچنان تغییری به سود کارگران در پیش‌نویس ایجاد نمایند. مشکل کارگران و همه زحمتکشان دیگر تنها با قدرت و اتحاد و همبستگی خود آنان حل خواهد شد. کما اینکه اولین قانون‌کار را در تاریخ مبارزات مردم ایران، کارگران با پیوند و قدرت تشکل و استفاده از حقوق قانونی خویش، یعنی اعتصاب توانستند در سال ۱۳۲۵ به پسر رضاخان تحمیل نمایند.

ما با هم تأکید می‌کنیم که قانون کار حتماً و قطعاً می‌بایست در محور و چارچوب قانون اساسی و مشارکت رسمی کارگران که از طریق تشکل‌های قانونی آنان میسر خواهد شد، تهیه و تدوین گردد.

در خاتمه از فرصت استفاده می‌کنیم و ضمن تقدیم درود و افتخار برای شهیدان میهن و آزادی سلامت برای همه محرومان و معلولان جنگ و همچنین اظهار هم‌دردی با خانواده‌های محترم این ایثارگران، امیدواریم هرچه سریع‌تر بهاری توأم با آزادی و رفاه عمومی به دور از درد و رنج جنگ و مشکلات و ماتم‌های ناشی از آن، برای عموم مردم فراهم گردد. صلح و آرامش توأم با عدالت اجتماعی در سراسر کشور مستقر شود. شر دشمنان بشریت ام از داخلی و خارجی و پیش از همه آمریکای جنایتکار با قدرت و اتحاد و همبستگی توده‌های زحمتکش جامعه، از سر مردم کوتاه شود.

در چنین حال و هوایی که از زود داریم هرچه سریع‌تر فرا رسد، نوروژیاستانی را به هم میهنان گرامی تبریک و تهنیت می‌گوییم.

انجمن همبستگی سندیکاهای و شوراهای کارگری تهران و توابع

برگهایی از تاریخ سراسر رزم خلق ویتنام...

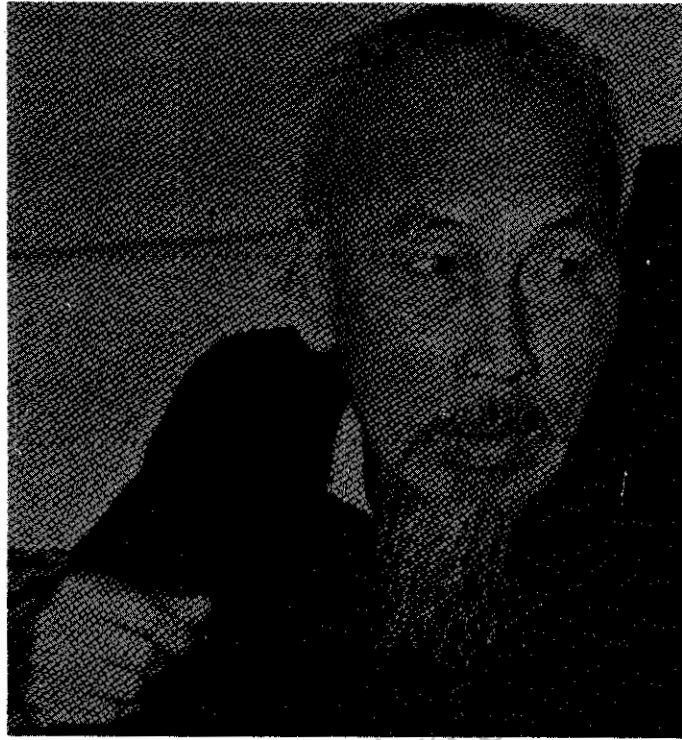
علیه خود همسایه ای را برانگیزد که ارتش چهار میلیونی و منابعی عملاً پایان ناپذیر دارد؟

همه به خاطر دارند مقامات چینی که در سال ۱۹۷۸ حمله به ویتنام را سازمان دادند، بیش از یک بار خودستایانه اعلام کردند "درس دومی" به ویتنام خواهند داد. رهبری چین پنهان نمی‌کند که با سیاست خارجی جمهوری سوسیالیستی ویتنام و دیگر کشورهای هندوچین موافق نیست.

مقامات چین درست به همین علت و نه به علل دیگر به طور پی‌گیر می‌کوشند از فشار سیاسی و اقتصادی علیه ویتنام و دیگر کشورهای هندوچین بهره‌گیرند. آنان به تهدیدهای خشونت‌آمیز متوسل می‌شوند تا مشی سیاسی ویتنام را تغییر دهند. و اینکه رهبری چین یک بار دیگر به استفاده از نیروی نظامی علیه جمهوری

سوسیالیستی ویتنام دست زده‌اند. کسانی که میل دارند به دولت‌های مستقل "درس بدهند" بد نیست که خود به درس‌های تاریخ رجوع کنند. و اگر چنین می‌پندارند که در سال ۱۹۷۴ از تجاوز به خاک ویتنام نتایج بهتری از سال ۱۹۷۸ به دست می‌آورند سخت دچار کوه بیینی هستند.

اتحاد شوروی تحریکات نظامی چین علیه جمهوری سوسیالیستی ویتنام را محکوم می‌کند. دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام بیش از یک بار به دولت جمهوری خلق چین پیشنهاد کرده است با یکدیگر گفتگوهای جدی و واقعی به منظور حل مسالمت‌آمیز و سیاسی همه مسائل مربوط به مناسبات دو جانبه انجام دهند. این کشور بیش از یک بار اعلام کرده است آماده انعقاد قرارداد عدم تجاوز میان جمهوری سوسیالیستی ویتنام و جمهوری خلق چین است. چنین راهی، و نه راه درگیری نظامی، به بهترین وجه می‌تواند به منافع خلق‌های چین و ویتنام و به سود صلح و امنیت در آسیا پاسخ دهد.



بی‌نامی دست بگیرانند. در این میان رهبران جمهوری چین نقش سیاهی ایفا می‌کنند.

اخیرا خبرگزاری اتحاد شوروی "تاس" درباره تحریکات تازه چین علیه جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعلامیه‌ای به شرح زیر صادر کرده است:

از روز ۲۸ آوریل ۱۹۷۴، سربازان چین در چند نقطه به خاک جمهوری سوسیالیستی ویتنام تجاوز کرده و ارتفاعاتی را در خاک این کشور اشغال نموده‌اند.

تحریکات تازه چین علیه ویتنام از زمان تجاوز به خاک این کشور در فوریه سال ۱۹۷۸ بزرگ‌ترین مقیاس را دارد. مقامات حاکمه چین در توجیه این تجاوز ادعا می‌کنند گویا به حملات سربازان ویتنامی به خاک چین "پاسخ می‌دهند". اما چه کسی باور می‌کند که جمهوری با ۶۰ میلیون جمعیت به تحریکات نظامی علیه کشوری دست بزنند که جمعیتش بیش از یک میلیارد تن است؟ چه کسی می‌تواند تصور کند کشوری که از جنگی تقریباً چهل ساله علیه تجاوز امپریالیستی، به شدت آسیب دیده

استعماری امپریالیسم یاری رسانند. این یک پیروزی بزرگ برای خلق ویتنام و از سوی دیگر پیروزی دیگری برای نیروهای صلح و سوسیالیسم بود.

● روز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۴، نیروهای آزادی‌بخش ویتنام موفق شدند، پس از ۲۰ سال مبارزه بی‌امان علیه استعمارگران فرانسوی و متجاوزین آمریکایی، تحت شعار "هیچ چیز گران‌بهارتر از آزادی و استقلال نیست" وارد سایگون، مرکز جمهوری ویتنام جنوبی شوند. پایان پیروزمندانه جنگ در بهار سال ۱۳۵۴، شرایط الحاق مجدد دو کشور و پیشروی تمام خلق ویتنام را به سوی سوسیالیسم ایجاد کرد. ویتنام با پیروزی در سایگون به مرحله جدیدی پا گذاشت و جمهوری واحد سوسیالیستی ویتنام اعلام شد. برای بهبود زخم‌های جنگ، استقرار روابط تولیدی سوسیالیستی و ساختار واحد اقتصادی در سراسر جمهوری، کوشش‌های فراوانی به عمل آمده.

● اکنون نیز خلق‌های ویتنام برای گسترش دست‌آوردهای انقلاب سوسیالیستی خود با دشمنان با نام و

روزهای ۱۰، ۱۷ و ۲۹ اردیبهشت باه روزهای به یاد ماندنی در تاریخ خلق قهرمان ویتنام است. وقایع این سه روز، نقش تاریخ‌سازی در مردنشت مردم و کشور ویتنام، رزم‌آزادی‌بخش و تکامل آن به سوسیالیسم ایفا کردند.

● در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۸، هوشی‌مین، انقلابی بزرگ، شاکرد وفادار کارل مارکس و و. ای. لنین، بنیانگذار حزب کمونیست هندوچین و از رهبران برجسته جنبش جهانی کارگری و کمونیستی متولد شد.

هوشی‌مین نمونه درخشان قهرمانی انقلابی، رزمنده و فروتن، بود. پنجاه سال از زندگی هوشی‌مین با تاریخ پرافتخار خلق قهرمان ویتنام توأم بوده است. هوشی‌مین مبارزی شگرف و راستین در همه جا از آسیا گرفته تا اروپا، نبرد قاطع خود را علیه امپریالیسم ادامه داد. وی انسان بزرگی بود که توانست در طول عمرش ساده باقی بماند و حتی یک لحظه نیز مسئولیت خطیرش را فراموش نکند. او در تمام شرایط، در پشت سنگرها یا در مسئولیت‌های دولتی، در مذاکرات یا در رهبری حزمش، بیش از هر چیز نگران خوشبختی خلقش بود.

هوشی‌مین به اندازه کافی نزیست تا وحدت شمال و جنوب کشورش را به چشم خود ببیند. وی برای همیشه در قلب‌های خلق ویتنام و در یاد‌های تمام جهانیان پیشرو می‌زید و خواهد زیست.

● روز ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۳ ارتش آزادی‌بخش ویتنام موفق شد پس از یک عملیات ۸ ماهه علیه استعمارگران فرانسوی، آنان را در اطراف دژ دین بین فوشکت دهد. هوشی‌مین در پی کسب این پیروزی اعلام کرد حاضر است، با دولت فرانسه بر مبنای احترام به استقلال واقعی ویتنام به توافق سیاسی برسد. پس از کنفرانس ژنو، این نخستین بار در تاریخ بود که کشوری مستعمره کوچک و ضعیف توانست یک قدرت امپریالیستی بسیار قوی را شکست دهد و به روند تلاشی سیستم

مرگ بر امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان

در هفته ای که گذشت:

حاکمیت ج.ا.متحد جدید ناتو

نخست وزیر ترکیه که به همراه صدها تن از سرمایه داران و مقامات دولتی ترکیه به جمهوری اسلامی سفر کرده است، با مقامات بلند پایه جمهوری اسلامی از جمله رئیس جمهور ملاقات کرد.

خامنه ای، رئیس جمهور اسلامی، در دیدار با نخست وزیر ترکیه ضمن ابراز خوشحالی از افزایش قابل ملاحظه حجم مبادلات اقتصادی ایران و ترکیه گفت:

"اعتقاد ما این است که هنوز راه های دیگری برای گسترش مبادلات اقتصادی وجود دارد".

معنای سخنان رئیس جمهور این است که در آینده حجم مبادلات اقتصادی جمهوری اسلامی و ترکیه از رقم کنونی ۲/۲ میلیارد دلار به مراتب بیشتر خواهد شد. خامنه ای در توضیح "راه های دیگر" گسترش روابط اقتصادی دو کشور به مسئله انتقال گاز ویا نفت به دریای مدیترانه و دریای سیاه از طریق ترکیه اشاره کرد.

پراساس قراردادی که پیش از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، میان ایران واتحاد شوروی به امضاء رسیده بود، قرار بود گاز ایران توسط خط لوله ای به اروپا منتقل شود. اجرای این موافقت نامه که با شرایطی عادلانه تعیین شده بود، استفاده از منابع گاز کشور را در جهت پیشرفت و استقلال اقتصادی کشور فراهم می ساخت. پس از پیروزی انقلاب، این قرارداد با ادعای "نه شرقی، نه غربی" توسط رهبران جمهوری اسلامی به اجراء نیامد و اکنون آقای رئیس جمهور در ادامه سیاست "نه شرقی، بلکه فقط غربی"، از اجرای آن، از طریق دولت وابسته ترکیه سخن می گوید و به این ترتیب زمینه گسترش هرچه بیشتر وابستگی اقتصادی ایران به امپریالیسم را تدارک می بیند.

سخنان اسارت آور خامنه ای به همین جا ختم نمی شود. او به مطالب دیگری تأکید می کند که نکات مهم تری در بردارد. او گفت:

"بسیار به جاست که دو کشور ما به موازات توسعه و تعمیق مناسبات اقتصادی در اتخاذ مواضع سیاسی مشترک، در مسایل جهانی نیز گام های موثرتری بردارند".

مواضع دولت وابسته ترکیه در "مسایل جهانی" کاملاً روشن و مشخص است. این دولت از متحدین امپریالیسم آمریکا در منطقه و عضو پیمان تجاوزکار ناتو است که اخیراً از سوی امپریالیسم آمریکا، نقش تولید کننده

بمبافکن های اف-۱۶ را نیز به عهد مگرفته است. دولت ترکیه، فرمانبردار و موری اوامر و توطئه های امپریالیسم آمریکاست و تحول مثبتی در سیاست جهانی آن به وجود نیامده است. در نتیجه این رژیم کودتایی ترکیه نیست که

باید "در اتخاذ مواضع سیاسی مشترک" با جمهوری اسلامی "گام های موثری" بردارد، بلکه حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی است که سیاست خود را در "مسایل جهانی" با دولت وابسته ترکیه هرچه بیشتر مشترک می سازد.

در واقع گسترش همسویی و همسانی حاکمیت جمهوری اسلامی به امپریالیسم و کشورهای وابسته به آن نظیر ترکیه، نتیجه منطقی سیاست خائنانه آنان در راستای بازسازی و احیاء وابستگی اقتصادی میهن ما به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست.

"کی بود؟! کی بود؟! من نبودم!"

با نزدیک شدن پایان دوزه اول مجلس شورای اسلامی، تعدادی از نمایندگان که در انتخابات نایبی اخیر انتخاب نشده اند، به ایراد آخرین سخنرانی های پیش از دستور خود در مجلس پرداختند و نمایندگان مجلس آینده را "نصیحت" کردند.

زرهانی نماینده دژ فول یکی از آنان است. او ضمن افشاء این نکته که در جمهوری اسلامی حتی

بسیار خراب! به نمایندگان منتصبه گوییم
بروند مجلس و کارشان را شرح کنه. ما
نتایج انتخابات را بعداً سرزیمت
اطلام خواهیم کرد....

ترا سگار آراه اعلام تاریخ
انتخابات بیشتر از یک هفته
طول خواهد کشید....



آمدن های سیل آسا به منزله تشدید وابستگی هاست."

"مشکلات اقتصادی فراوانی" که امروز زحمتکشان میهن ما درگیر آن هستند و "آمدن های سیل آسای" وابستگان به امپریالیسم به کشور ما که "به منزله تشدید وابستگی هاست"، نتایج سیاست خائنانه و انقلاب برپاده رهبری جمهوری اسلامی است.

جا دارد از نمایندگان چون آقای زرهانی پرسیده شود، در مقابل این خیانت چه کردند؟ آن ها نه تنها در مقابل چرخش به راست حاکمیت و درپیش گرفتن سیاست گسترش وابستگی به امپریالیسم از سوی آن، سکوت کرده اند، بلکه در سرکوب نیروهای پی گیر انقلابی مانند حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) که در مقابل این سیاست های خائنانه مقاومت می کردند، شریک هم بودند.

امروز که آثار و نتایج اقدامات ضد مردمی جمهوری اسلامی هرچه بیشتر آشکار می شود، زرهانی سیاست "کی بود؟ کی بود؟ من نبودم!" در پیش گرفته است. روزی که بسیاری دیگر از مسئولین رژیم در برابر اوج گیری اعتراضات توده ها، چنین سیاستی را برگزینند، دور نیست!

خواست های عادلانه کارگران ضد "اسلامی" است

اول ماه مه، بهانه ای شد تا مسئولین ریز و درشت جمهوری اسلامی با ایراد سخنرانی ها و

مصاحبه هایی، سیاست های ضد کارگری خود را بار دیگر به نمایش گذارند. آن ها به روش همیشگی با در پیش گرفتن شیوه تهدید و تحمیق کارگران، به عبت کوشیدند آن ها را از ابراز خواست های برحق و عادلانه خود بازدارند.

هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس در دیدار با تعدادی از کارگران کارخانه های شهرهای مختلف، برای توجیه سیاست های جمهوری اسلامی در دفاع از سرمایه داری، ضمن لجن پاشی به کمونیست ها و کشورهای سوسیالیستی گفت:

"از سوی دیگر (جمهوری اسلامی) از کارگران می خواهد که به حقی که اسلام برای آنان قائل بقیه در صفحه ۱۲

از انتشار برخی از کتب مطهری که شامل انتقاداتی به نظام سرمایه داری است، جلوگیری می شود، گفت:

"امروز ما شاهد مشکلات اقتصادی فراوانی هستیم... عدم برنامه ریزی سالم اقتصادی باعث شده است تا گرانی و تورم از حد گذشته و واردات ما بی حساب و کتاب افزایش یافته و بازار چپاول محترمان و سودجویان رونق زیادی پیدا کند. مجلس دوم... باید برای حل این معضلات چاره اندیشی کند و ثمره کار او طوری نباشد که در پایان دوره، مثل امروز روزنامه ها در صفحه اول تیتر کنند که یک هیأت بازرگانی چهارصد نفره از ترکیه وارد تهران شد که این

اتحاد شوروی و چند کشور سوسیالیستی در بازیهای المپیک لوس آنجلس شرکت نخواهند کرد

شرایط مجبور است اعلام کند که شرکت ورزشکاران در ۲۳ - مین دوره بازیهای المپیک در لوس آنجلس ناممکن است. در غیر این صورت فعالیت های المپیک ستیزانه مقامات و برگزار کنندگان آمریکایی این بازیها قابل تایید جلوه می کرد!

کمیته ملی المپیک اتحاد شوروی، سازمان های ورزشی کشور ما در آینده نیز از کوشش های کمیته بین المللی المپیک، اتحادیه کمیته های ملی المپیک و فدراسیون بین المللی ورزش و ... برای تحکیم جنبش جهانی المپیک پشتیبانی می کند به خاطر حفظ پاکیزگی و اتحاد در آن مبارزه می کند.

کمیته های ملی المپیک جمهوری توده ای مغولستان، جمهوری دموکراتیک آلمان، جمهوری سوسیالیستی ویتنام و لائوس نیز تا کنون عدم شرکت ورزشکاران کشورهای خود در بازیهای المپیک لوس آنجلس را اعلام کرده اند.

با هدف ایجاد شرایط غیر قابل تحمل برای اقامت هیأت اتحاد شوروی و شرکت ورزشکاران شوروی (در بازیهای المپیک) اقدامات خود را تشدید کرده بودند. تظاهرات دشمنانه ای علیه اتحاد شوروی تدارک دیده می شد. کمیته المپیک اتحاد شوروی، ورزشکاران و مقامات رسمی اتحاد شوروی تهدید به اعمال قهر می شدند. نمایندگان دولت آمریکا از روسای سازمان های ضد شوروی و ضد سوسیالیستی پذیرایی کرده و در رسانه های گروهی وسیعاً برای آنان تبلیغ می کردند.

"واشنگتن اخیراً اطمینان می داد آماده است به مقررات منشور المپیک عمل کند، اما فعالیت های عملی مقامات آمریکایی حاکی از آنست که در نظر ندارند امنیت تمام ورزشکاران را تضمین کنند و به حقوق انسانی آنان احترام گذارند و شرایط طبیعی برای انجام بازیها را به وجود آورند.

"کمیته ملی المپیک اتحاد شوروی تحت این

کمیته ملی المپیک اتحاد شوروی، اوضاع پیرامون برگزاری ۲۳ - مین دوره بازیهای المپیک در لوس آنجلس را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و مسئله شرکت ورزشکاران اتحاد شوروی در این بازیها را بررسی کرد.

در اطلاعیه ای که خبرگزاری تاس در این باره منتشر ساخت آمده است:

"چنان که اطلاع داده شد، کمیته ملی المپیک اتحاد شوروی در بیانیه مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۸۴، نگرانی جدی خود را پیرامون نقض خشن مقررات منشور المپیک توسط سازماندهان بازیها و همچنین محافل ارتجاعی ایالات متحده آمریکا و کارزار ضد شوروی که با سکوت تشویق آمیز مقامات رسمی دامن زده شده است، ابراز داشت و از کمیته بین المللی تقاضا کرد اوضاع ایجاد شده را مورد بررسی قرار دهد."

در این اطلاعیه هم چنین آمده است:

"گروه ها و سازمان های افراطی گوناگون...

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

شده است، قانع باشند و این حق در جمهوری اسلامی همان است که از تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان و ولایت فقیه گذشته باشد.

لازم به گفتن نیست "حق" که آقای رفسنجانی قائل است و شورای نگهبان باید آن را تأیید کند، برای کارگران به چه پیش نویس قانون کار "توکلی" و شرکاء و خلف آن "پیش نویس جدید"، شرد دیگری دربر ندارد.

هم چنین خامنه ای در دیدار از کارخانه "ایران ترانسفو" در جمع کارگران این کارخانه گفت:

"کارگران مسلمان ایرانی با... تحمل شرایط سخت ضمن هم آهنگی و همکاری کامل با مسئولان

کشور، نه تنها توقعی از مسئولان ندارند، بلکه از نظر مالی نیز کمک می کنند."

خامنه ای می داند اکثریت مطلق کارگران و زحمتکشان ایران به سیاست های سرمایه - پسندانه حاکمیت جمهوری اسلامی اعتراض دارند و در مقابل آن مقاومت می کنند. او با سخنانی از این دست قصد دارد به کارگران "تفهم" کند در صورت ادامه اعتراضات، عدم "هم آهنگی و همکاری با مسئولان کشور" و عدم چشم پوشی بر "توقعات" خود، "غیرمسلمان" و "توده ای" و "مهدورالدم" شناخته می شوند و به قول معتمد رضایی "یا به اوین می روند، یا باید از مملکت بگذارند و بروند."

از سوی دیگر موسوی اردبیلی، رئیس دیوان عالی جمهوری اسلامی، در نماز جمعه تهران، ضمن "تجلیل" (۱) از این روز گفت:

"کارگران عزیز! معنای یک انسان انقلابی این نیست که اعتصاب کند و تقاضا نماید که

ساعات کار کاهش یافته و حقوق افزایش یابد. این کارگر انقلابی نیست."

او سپس در توصیف کارگر "انقلابی" اضافه کرد:

"انقلابی این است که ساعات کار بیشتر، تعطیلات عمومی کمتر، تولید بالا."

در واقع تمام این سخنان و گفته های دیگر مسئولین جمهوری اسلامی، پیش از یک مضمون دربر ندارند. "خواسته های برحق کارگران ضد اسلامی است و کسانی که این خواسته ها را مطرح می کنند نامسلمانند."

آنان تلاش دارند با عوام فریبی و سوء استفاده از باورهای مذهبی مردم و بلند کردن چماق اتهام "بی دینی" از ابراز خواسته های عادلانه کارگران جلوگیری کنند. تلاش عبثی که بارها در تاریخ با شکست روبرو شده است.

خبرنگاری برای "راه توده" و وظیفه مبرم هر توده ای است

بقیه از صفحه ۱۵

نشریه و تراکت توسط آنها (در داخل و خارج از کشور)؛

- در زمینه سیاست جنگ افزوزانه حاکمیت جمهوری اسلامی، تعداد کشته های ایران در حملات گوناگون و اعتراضات توده ای مردم به این سیاست های ضد مردمی و گسترش خواست صلح در میان توده ها.

در زمینه های یاد شده هر چند چیزی و کوچک، برای "راه توده" مفید و ارزشمند است.

خبرنگاری برای نشریات حزبی، وظیفه مبرم هر توده ای است.

محل و نحوه ملاقاتها و جو زندان ها، صرف نظر از تعلق سازمانی زندانیان؛

- در زمینه عکس العمل مردم نسبت به محاکمات فرمایشی، اعدام مبارزان انقلابی و "شوهای" تلویزیونی رژیم؛

- در زمینه موضع گیری گروه ها - سازمان ها، احزاب، جمعیت ها و شخصیت های گوناگون مذهبی و غیر مذهبی (در داخل و خارج از کشور) و انتشار هرگونه اطلاعیه،

گسترش فشار بر زنان میهن مان و تحمیل عقب مانده ترین قوانین و رسوم به آنان، گسترش سرکوب ملیت های ساکن ایران به ویژه خلق کرد و اقلیت های مذهبی؛

- در زمینه وضع زندان ها، زندانیان سیاسی - نحوه پیکرد، بازداشت، شکنجه، بازجویی، پرونده سازی، محاکمه و اعدام مبارزین انقلابی و ضد امپریالیست، وضع خانواده و وابستگان آنها،

زمن، کمبود خدمات آموزشی، بهداشتی و درمانی، بیمه و تأمین اجتماعی زحمتکشان؛

- در زمینه گسترش فساد و رشوه و زدی در میان کارگزاران ریز و رشت رژیم جمهوری اسلامی؛

- در زمینه نقض آزادی های دموکراتیک، اخراج دگراندیشان و مسلمانان انقلابی از محل کار و تحصیل خود، به علت اعتراض به سیاست های ضد انقلابی رژیم،

عدالت اسلامی از دیدگاه رئیس دیوان عالی کشور!

کشته دادن، رفتن به نماز جمعه، دور امام جماعت پلکیدن، دوست و خویشاوند توده‌ای نداشتن، دارا بودن "قیافه مناسب" و لاپرو عوام‌فریبی و شیادگی و طراری را از شرایط اصلی استخدام در دادگستری به حساب می‌آورند. اعتقاد به موازین اخلاقی و انسانی و آشنا بودن با قوانین و عرف بین‌المللی و وابستگی به توده‌های زحمتکش خلق البته لازم نیست. وظیفه دادگستری "اسلامی" گسترش عدالت اجتماعی نیست. این "دادگستری" کارش اینست که اگر کسی شراب خورده، بی‌حجاب بوده، موسیقی "مطرب" گوش کرده، در ماه رمضان سیکار کشید و آب‌خورده، نمازش را به موقع نخواند و از همه بدتر اینکه توده‌ای و فدایی و مجاهد و یا دگر اندیش بوده، حد جاری کند، شلاق بزند، تعزیر نماید وزیر شکنجه در میدان تیر بکشد. وگرنه این دادگستری را چه کار به اینکه کارفرمایان خمس و زکات ده، کارگران خود را بی‌رحمانه استثمار می‌کنند؛ مالکان معتقد به "ولایت فقیه"، دهقانان را به روز سیاه می‌نشانند، بازاریان "ستون انقلاب"، جز دزدی و غارت و انباشتن میلیاردها تومان ثروت و البته پرداختن سهم امام از این مال دزدی، مشغولیت دیگری ندارند؟ دادگستری "اسلامی" کارش تشویق دختران به ترک مدرسه و صیغه شدن، اشاعه تعدد زوجات، ریختن داروندار گرایه‌نشینان بی‌درآمد در کوچه و خیابان و فحاشی به دهقانانی است که بر اثر ظلم مالک و خان "مسلمان"، روستاهای خود را ترک می‌کنند....

نکبت وحشتناکی که مردم با آن دست بگیرياندند، نتیجه تسلط همین ارتجاع سیاه بر سرنوشت کشور ماست!

شما فکر می‌کنید با این قیافه (۱) شما بروید آنجا، این مناسب است شما این حرف‌ها را بزنید؟ مثلا آن رفیق توده‌ای‌تان را اگر دادند دست شما، گفتند محاکمه کن چه می‌گویی؟ محکوم به اعدام می‌کنی؟ محکوم به زندان می‌کنی؟ جایزه بهش می‌دهی؟ چی می‌دهی؟"

احتمالا مخاطب آقای موسوی اردبیلی از شگفتی بهت‌ش زده و با خود اندیشیده، چطور یک پیرمرد که خود را از اولاد پیغمبر هم می‌داند و وظیفه‌اش رعایت عدالت و نظارت عالی بر دادگستری است، می‌تواند تا این حد موازین اولیه عدالت را زیر پا بگذارد و حتی "قیافه" اشخاص را ملاک صلاحیت یا عدم صلاحیت آنان بداند....

اما آقای موسوی اردبیلی، به تصور آن که مخاطب خود را خلع سلاح و مجاب کرده چنین ادامه می‌دهد:

"گفتم: برادر در این مملکت انقلاب شده، انقلاب هم اسلامی است، حتی بعضی از دوستان دیدم، نامه نوشته‌اند چرا احکام اسلام و تعزیرات اسلام عمل نمی‌شود؟ نامه‌ای به بیت امام نوشته و به شورای عالی قضایی نوشته و به جاهای دیگر نوشته، از دوستان عزیزم است. من دسترسی پیدا نکردم به او بگویم شما یک سری به اجراییات بزنید بگوید چندتا قصاص شده؟ آمار قصاص را بگیرید، خوب می‌دهند به شما. چندتا حد شرب خمر زده شده، خوب می‌دهند به شما، چندتا حد عمل منافی عفت شده. آمار دارد اینها".

این درد دل صادقانه آقای موسوی اردبیلی در نماز جمعه را باید با دقت خواند تا خوب با ارتجاع سیاه حاکم شده بر میهن ما آشنا شد و به کینه عقاب‌ماندگی آن پی‌برد. این سردمداران از یک سو هم از جذب نیروی کاردان و متخصص می‌زنند و از سوی دیگر آدم کشتن و

شدن "تارموی" زنان کاری از دستشان بر بیاید؟

آقای موسوی اردبیلی پس از "جذب" این ۵۰ "معم" با به تصویب رساندن یک ماده واحده "مکلا" ها را از قضا به کلی کنار گذاشته است.

شخص آقای موسوی اردبیلی در نماز جمعه با خودستایی چنین گفت: "یک نفر از اینها که کنار گذاشته شده‌اند، اعتراض کرده بود چرا مرا کنار گذاشته‌اید؟ آمده بود، دیروز مصاحبه می‌کرد. منم در آنجا بودم. قاضی بود، جوان بود، کنار گذاشتند. گفتند قضاوت نکن. من ازش پرسیدم؛ شما چند نفری؟ برادر و خواهر داری یا نه؟ گفت: دارم. گفتم: چند نفری؟ گفت: با من ۱۲ نفر.... گفتم: شما پرسیدید اینجا چرا مرا گذاشتید کنار؟ گفت: بله! من دلم می‌خواست بدانم به چه مناسبت به من گفتند دیگر کار نکن؟ گفتم: از این سیزده نفر، چند نفرشان شهید شدند؟ گفت: هیچ کدام. گفتم: چند نفرشان جیبه رفتند؟ گفت: هیچ کدام. گفتم: در این نهادهای انقلابی در کجاها کار کردید؟ گفت: ما کار نکردیم. گفتم: کدامتان حزب‌اللهی هستید، نماز می‌روید، نماز جمعه حزب‌اللهی به این معنی؟ گفت: ما نمی‌رویم. گفتم: از دامادهایتان؟ گفت: از آنها هم کسی نمی‌رود. گفتم: کدامیک از این آقایان شما را می‌شناسند: امام جماعت محل، امام جمعه محل؟ گفت: متأسفانه ما با آقایون رابطه خانوادگی نداریم. گفتم: اینجا نوشتند از اقوام شما چند نفری توده‌ای بودند، گرفتند درست؟ گفت: اقوام ما نیستند، از دوستان ما هستند. گفتم: آخه در این دادگستری الان حکم جاری می‌شود. می‌گویید این چون شراب خورده شلاق بزنید. این چون منکرات را مرتکب شده یا حد یا تعزیر کنید. به نام خدا این دادگستری حال این جور شده،

آقای موسوی اردبیلی در آخرین جمعه سال گذشته، در یکی از آزادگان آن را زیر عنوان "آزادی در محدوده اسلام است و هر چیز را که اسلام ممنوع کرده در این نظام ممنوع است" انتشار داده، در سخنان خود چهره منحوس قضاوت در جمهوری اسلامی ایران را در برابر نمازگزاران ترسیم کرد.

اگر واقعا بر پایه آنچه که حاکمیت کنونی مجاز و یا ممنوع می‌داند در باره اسلام داور کنیم، باید بگوییم در جمهوری اسلامی ایران، برای توده‌های زحمتکش خلق، ام از زن و مرد، هیچ‌گونه آزادی، نه شخصی و نه اجتماعی وجود ندارد. تنها آزادی اهدایی رهبران جمهوری اسلامی "آزادی" گریه کردن است.

آری، این یگانه "آزادی" موجود در ایران "اسلامی" است که به "امت حزب‌الله" امکان می‌دهد به مصداق شعر: "مستی بهانه کردم و چندان گریستم / تا کس ندانم که گرفتار کیستم" بر درماندگی خویش و بچه‌های گرسنه و جوانان شهید خود در جبهه‌های جنگ و در شکنجه‌گاه‌های جمهوری اسلامی، اندکی اشک بریزند.

آیت‌الله موسوی اردبیلی تنها امام جمعه موقت تهران نیست. او رئیس دیوان عالی کشور و رئیس شورای عالی قضایی هم است. وی ۵۰ معم هم طراز و هم سواد خود را جذب دستگاه قضایی کرده و سرنوشت مردم را به دست کسانی سپرده که شخصا اعتراف می‌کنند تنها پنجاه نفرشان "اهل نظر و درحد اجتهادند". یعنی در حدود خود آقای موسوی اردبیلی دیگران از سطح نازل‌تری برخوردارند.

آیا می‌توان توقع داشت که این ۲۲۵ نفری که به دادگستری آمده‌اند و ۱۲۵ نفری که به دادگاه‌های انقلاب و دادرهای انقلاب رفته‌اند، غیر از صدور احکام حد و تعزیر برای شراب‌خواری و دیده

مرک بر امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان

خبرنگاری برای "راه توده"

وظیفه مبرم هر توده‌ای است

فرسوده وابسته شاهنشاهی در لباس "اسلامی"، احیاء و گسترش نظام منحن سرمایه‌داری وابسته، گسترش سیاست سرمایه‌پسندانه و اعطاء انواع امتیازات به سرمایه‌داران و اشغال پست‌های گوناگون دولتی توسط مدافعان نظام سرمایه‌داری و زمین‌داری؛

- در زمینه سیاست ضدکارگری رژیم، انحلال و فرمایشی کردن تشکل‌های کارگری (شوراها - سندیکاها و...)، اخراج کارگران انقلابی و مبارز، تصویب قوانین ضدکارگری و اشکال گوناگون مقاومت و اعتراض کارگران در برابر این سیاست‌های ضدکارگری؛

- در زمینه استرداد اموال ضدانقلابیون فراری و مقاومت توده‌های مردم در مقابل این سیاست ضدانقلابی؛

- در زمینه بازپس گرفتن زمین از دهقانان زحمتکش و تحویل آن به فئودال‌های فراری و اعتراض و مقاومت دهقانان به این سیاست؛

- در زمینه تشدید آذوقه‌سازی زندگی زحمتکشان در عرصه‌های گوناگون گرانی و تورم، مسکن، مشکل تهیه ارزاق، عدم اشتغال و بی‌کاری بقیه در صفحه ۱۲

از حرکات اقشار و طبقات مختلف اجتماعی و از سیاست احزاب، سازمان‌ها، جمعیت‌ها و شخصیت‌های گوناگون مذهبی و غیرمذهبی یاری دهند.

بنا بر این وظیفه انقلابی هر توده‌ای است که:

- هرگونه اطلاع، خبر و سندی در باره عملکرد حاکمیت جمهوری اسلامی و سرمداران و کارگزاران آن در کلیه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی، فرهنگی، بهداشت و درمان و غیره دارد، بوسیله گزارش دهد.

این اطلاعات و اخبار و اسناد می‌تواند عرصه‌های مختلف را دربرگیرد:

- در زمینه زدن و بند‌های آشکار و پنهان جمهوری اسلامی با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی؛

- در زمینه تشدید فعالیت ضدشوروی و ضدکمونیستی رژیم جمهوری اسلامی در کارخانه‌ها، شهرها، روستاها، دانشگاه‌ها، مدارس... و به طور کلی در کلیه نهادهای اجتماعی؛

- در زمینه احیاء و تقویت نظام

مطالبات عاجل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی توده‌های زحمتکش در مطبوعات و نشریات و دیگر ارگان‌های تبلیغاتی حزب؛

- حمایت از کلیه مجاهدات و مساعی سازمان‌ها و گروه‌های مترقی و انقلابی و ضدامپریالیست اپوزیسیون که در خیر و صلاح عمومی و در جهت اتحاد این نیروهاست در فعالیت تبلیغی و ترویجی حزب؛

- تعرض ایدئولوژیک وسیع به منظور عمیق ساختن تبلیغات سوء گروه‌های ضدتوده‌ای و ضدکمونیستی، اشاعه سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیز در میان توده‌ها و بتبیین پیوند ناکستنی این سیاست با مبارزه انقلابی و به ویژه مبارزه ضدامپریالیستی و دمکراتیک خلق‌های میهن ما؛

- محکوم کردن هرگونه بازداشت و محاکمات غیرقانونی، هرگونه شکنجه، بدون در نظر گرفتن وابستگی سازمانی..."

برای رسیدن به اهداف فوق، لازم است همه مدافعان منافع مردم با دقت، وظیفه‌شناسی و احساس مسئولیت، به مثابه یک خبرنگار انقلابی عمل کنند و به آگاهی و شناخت دقیق‌تر روند حوادث درون جامعه،

نقش مطبوعات و نشریات حزبی در امر تحول اجتماعی نقش خفیه و چشمگیر است. برای افشای سیاست‌های ضدانقلابی و ارتجاعی حاکمیت و خادمان سرمایه، برای توضیح استراتژی، تاکتیک و سیاست حزب طبقه کارگر، برای تجهیز و بسیج کارگران و زحمتکشان در راه صلح، دمکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم و به منظور غلبه بر تشنگی و پراکندگی، برای بردن اندیشه سترک سوسیالیسم علمی به میان توده‌های زحمتکش، برای تبدیل هزاران کارگر، دهقان و روشنفکر پراکنده به گردان منضبط، یکپارچه و استوار انقلابی، مطبوعات حزبی وظیفه عمده و اساسی به عهده می‌گیرند و به مثابه یل ارتباط حزب و مردم عمل می‌کنند. باید به استحکام و استواری این یل یاری رساند و باور و اعتماد توده‌ها را نسبت به آن افزون‌تر ساخت.

قطعنامه مصوب هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب ما در این زمینه حاوی رهنمودهای دقیق و جدی بسیار مهمی است. در "زمینه وظایف تبلیغی و ترویجی (بند ۶) چنین می‌خوانیم:

"- انعکاس خواسته‌های مترقی و

چه کسی در چمدان طباطبائی تریاک جاسازی کرد؟!

می‌شود. آقای صامی، دادستان کل جمهوری اسلامی نیز که به گفته اشپیکل بی‌گیری جریان‌ات را در دست دارد، به این ترتیب مسئله را ختم شده اعلام می‌کند.

سناریویی که توسط مقامات آلمانی و جمهوری اسلامی برای اعاده حیثیت از طباطبائی که به گفته اشپیکل و طبق اعتقاد مقامات دولتی آلمان فدرال "سیاستمدار لیبرالی است" که در آینده شانس ارتقاء مقامی بیشتر از قاچاق اسلحه از اسرائیل را دارد و باید از هم اکنون برایش حسابی جداگانه باز کرد، توطئه‌ای تبلیغاتی علیه حزب توده ایران پیش نیست. اینکه سرمداران جمهوری اسلامی در تمام زمینه‌ها از جمله قاچاق مواد مخدر پادر جای پای هویداها و اشرف‌ها گذاشته‌اند، چیزی نیست که بتوان با ترتیب دادن چنین سناریوهای ساختگی‌ای به دست فراموشی سپرد.

سیاسی طباطبائی معلق اعلام کرد مقدمات بازگرداندن این شخص به مجامع آلمان فدرال را ممکن ساخته است. اما چیزی که تا کنون لاینحل مانده، مسئله وجود ۱/۷ کیلوگرم تریاک در چمدان این دیپلمات تازه از راه رسیده جمهوری اسلامی بود.

طبق نوشته "اشپیکل" مقامات آلمانی و دادستانی جمهوری اسلامی به کمک همدیگر برای این معضل نیز راه حلی پیدا کرده‌اند. اشپیکل نوشته است گویا شخصی که عضویت حزب توده ایران را دارد ترتیب جاسازی این مقدار تریاک را در چمدان آقای طباطبائی داده است.

آقای طباطبائی در برابر اشپیکل گفته است "از توده‌ای‌های زندانی در باره شخصی به نام مظفری پرسیده

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی و کمک مقامات دولتی آلمان فدرال که مصونیت سیاسی برای وی دست و پا کردند از این کشور خارج شود و به مقصد تهران پرواز کند. پس از این زدوبند، بلافاصله مسئله حمل مواد مخدر، توسط طباطبائی از صفحات روزنامه‌ها رخت برپست و رسانه‌های گروهی بحث پیرامون این مطلب را به دست فراموشی سپردند! اخیراً مقامات آلمانی که روابط گسترده اقتصادی و سیاسی با جمهوری اسلامی برقرار کرده و هر روز آن را گسترش می‌دهند، مزمزه اعاده حیثیت از صادق طباطبائی را مطرح ساخته‌اند. دادگاه عالی این کشور نیز که حکم دادگاه شهر دوسلدورف را به دلیل مصونیت

مجله "اشپیکل"، چاپ آلمان فدرال در شماره هفت ماه مه ۱۹۸۴ خود، مقاله‌ای با عنوان "دیپلماسی" به چاپ رسانده است. موضوع این مقاله، پیرامون مسئله دستگیری صادق طباطبائی، سفیر ویژه جمهوری اسلامی در فرودگاه دوسلدورف آلمان فدرال به جرم همراه داشتن ماده مخدر تریاک، دور می‌زند. صادق طباطبائی روز ۸ ژانویه ۱۹۸۲ با چمدانی که در آن ۱/۷ کیلوگرم تریاک جاسازی (۱) شده بود در فرودگاه دوسلدورف، توسط مأموران گمرک فرودگاه دستگیر شد. دادگاه شهر دوسلدورف وی را به جرم حمل مواد مخدر به ۲ سال زندان محکوم کرد. اما صادق طباطبائی توانست با پادرمیانی



سی و نهمین سال شکست فاشیسم

چند روز پیش، بشریت مترقی سی و نهمین سال پیروزی بر فاشیسم هیتلری را برگزار کرد. شکست فاشیسم منجر به آزاد شدن خلق‌های بسیاری از یوغ امپریالیسم و سرمایه‌داری و استعمار گردید و پیدایش جامعه کشورهای سوسیالیستی، حاصل پیروزی خلق‌ها علیه رژیم ددمنش و خونخوار فاشیستی بود.

مارشال اوستینوف، وزیر دفاع اتحاد شوروی طی مقاله‌ای منتشره در روزنامه "پراودا" نوشت: "پیروزی خلق اتحاد شوروی نشان داد در جهان نیرویی نیست که قادر باشد سوسیالیسم را نابود کند و آن را از پیشروی بازدارد. تاریخ نوسان بورژوازی اخیرا به انحاء گوناگون می‌کوشد نقش اتحاد شوروی را در شکست فاشیسم هیتلری واژگونه جلوه دهند و آن را کوچک قلمداد سازند." مارشال اوستینوف نوشته است: "محافل امپریالیستی می‌خواهند درس‌های گذشته به فراموشی سپرده شود. آنان هم اکنون برای دامن زدن به جنگ و درگیری‌های نظامی طرح‌ریزی می‌کنند."

بدین خاطر است که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، با بی‌اعتنایی به درس‌های تاریخ، پا جای پای هیتلر و موسولینی می‌گذارد و می‌کوشد با شانتاژ تجاوز نظامی کشورهای مستقل و نواستقلال را تبدیل به زائده‌های اقتصادی و سیاسی و نظامی خود کند و با غارت ثروت‌های ملی این کشورها، مردم آن‌ها را به فقر و مسکنت همیشگی دچار سازد. امپریالیسم آمریکا و هم‌پیمانان ناتویی آن می‌کوشند، علی‌رغم پیشنهادات متعدد صلح‌دوستانه کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنان اتحاد شوروی به دامن زدن مسابقه دیوانه‌وار تسلیحات هسته‌ای و کشاندن مرزهای آن به فضای کیهانی جهان را به لبه پرتگاه جنگ جدید جهانی بکشانند.

لحظات کنونی در سرنوشت جامعه بشری لحظات سرنوشت‌سازی است. باید همه نیروهای صلح‌دوست و ترقی‌خواه به‌پا خیزند و جنایتکاران جنگ‌افروز و متجاوز را از انجام جنایت هولناک محو تمدن بشری بازدارند.

اتهامات بی اساس علیه کارگران ترکیه

دادگاه نظامی استانبول محاکمه ۱۶۵ نفر از فعالین جنبش سندیکایی در ترکیه را آغاز کرده است. آنان متهم شده‌اند در روزهای پیش از کودتای نظامی در ترکیه، راه‌پیمایی‌های اول ماه مه را سازمان داده‌اند، در میتینگ‌های اعتراضی

اعمال نیروهای نئوفاشیستی را محکوم کرده‌اند. همچنین گویا به "خرابکاری و اعتصاب به منظور برقراری دیکتاتوری پرولتاریا" در ترکیه توسل جستند!

در میان کسانی که به پای میز محاکمه کشیده شده‌اند، ۴ تن از رهبران سازمان مترقی ممنوع شده، کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری انقلابی (دیسک) و از جمله باش‌تورک رهبر آن نیز حضور دارند. دادستان دادگاه نظامی برای باش‌تورک و بسیاری دیگر از رهبران دیسک خواهان مجازات اعدام شده است. در جلسات دادگاه، متهمان با دلایل قاطع، اتهامات بی‌اساس را رد کرده و ثابت کرده‌اند که غرض از محاکمه آن‌ها تنها سرکوب جنبش کارگری در ترکیه است.

سرکوب باندهای راهزنان در افغانستان

بخش‌های ارتش افغانستان و نیروهای امنیتی در چندین ایالت این کشور، عملیات موفقیت‌آمیز خود را جهت نابود کردن باندهای ضدانقلابی که مردم این ایالات را زیر فشار قرار می‌دادند به انجام رسانده‌اند.

در ایالات پروان، بغلان و غزنی، ده‌ها راهزن توسط نیروهای انتظامی دستگیر و مقادیر زیادی اسلحه و مهمات به غنیمت گرفته شده است. ضمناً از کتاف این آدم‌کشان، اسنادی به دست آمده که ارتباطشان را با مراکز ضدانقلاب در خارج از کشور و اربابان امپریالیست آن‌ها آشکار می‌سازد.

در عین حال تسلیم شدن دسته جمعی کسانی که بر اثر تبلیغات دروغین امپریالیست‌ها، فریب خورده و علیه هموطنان خود دست به سلاح برده بودند همچنان ادامه دارد. در ایالات کندوز و جوزجان دو گروه از این فریب‌خورده‌گان مستقیماً به صفوف نیروهای دولتی پیوسته‌اند.

مردم دره پنجشیر که پیشتر، بر اثر ترور راهزنان، محل سکونت خود را ترک کرده و به نقاط امن پناهنده شده بودند، اینک طی یک گردهم‌آیی با اظهار تشکر عمیق از رزمندگان ارتش افغانستان که سرزمینشان را از لوث وجود عمال امپریالیسم و ارتجاع پاک کرده‌اند اعلام کردند که به محل زندگی خود باز می‌گردند. آنان در قطعنامه‌ای که به تصویب رساندند تأکید کردند؛ تمام نیروی خود را به کار خواهند گرفت تا هرچه زودتر زندگی شکوفای مسالمت‌آمیز را به پنجشیر بازگردانند و ویرانی‌هایی که راهزنان به جای گذاشته‌اند تعمیر و ترمیم کنند.

دعوت به انعقاد قرارداد امتناع از قوه قهریه

روز دوشنبه هفته گذشته طبق توافقی که میان کشورهای عضو پیمان ورشو حاصل شده بود، وزارت امور خارجه جمهوری توده‌ای مجارستان، فراخوان کشورهای شرکت‌کننده در پیمان ورشو

را مبنی بر پیشنهاد انعقاد قراردادی در مورد امتناع از کاربرد نیروی نظامی و حفظ مناسبات مسالمت‌آمیز تسلیم‌نمایندگان دیپلماتیک کشورهای عضو ناتو - بلژیک، آلمان فدرال، دانمارک، فرانسه، یونان، انگلستان، ایسلند، ایتالیا، کانادا، لوکزامبورگ، هلند، نروژ، پرتغال، اسپانیا، ترکیه و ایالات متحده آمریکا در مجارستان کرد.

در این فراخوان پیشنهادها قابل قبول برای طرفین که امنیت یکسان همه کشورهای تأمین می‌کند و به سود صلح و امنیت جهانی است، در اختیار کشورهای عضو ناتو گذاشته شده است. البته بعید به نظر می‌رسد سیاست‌پیشگان و ژنرال‌های جنگ طلب ناتویی، حتی امکان بدهند خلق‌های اروپای غربی و آمریکای شمالی از مفاد این پیشنهادها آگاه گردند. ولی خلق‌ها به هر حال از مفاد آن‌ها مطلع خواهند شد و مبارزه برای حفظ صلح و جلوگیری از انفجار فاجعه هسته‌ای را تشدید خواهند کرد.

تصحیح وپوزش

در مقاله مناسبات با ترکیه؛ پنجمه‌ای به روی امپریالیسم "راه توده" شماره ۹۰ - ص ۱۳ - ستون اول - سطر ۲۹ به صورت زیر تصحیح است: "ایالات متحده با بیش از یک میلیارد دلار مبادلات مستقیم سالیانه با ایران ..."

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در اکلاهما (آمریکا) هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

عطا از آمریکا ۲۰۰ دلار
رفقا محمود واحد ۷۰ مارک

RAHE TUDEH
No. 91
Monday, 14 May 84
Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.		
West-Germany	Belgium	22	Fr.		
1	DM	Italy	600	L.	
France	3	Fr.	U.S.A.	50	Cts.
Austria	8	Sch.	Sweden	3	Skr.

